

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

قسمت سوم

۵- خمینی عامل اجرای سیاستهای سلطه جویانه خارجی

مبارزات آزاد یخواهان در انقلاب مشروطه، تقسیم ایران بین دو قدرت بزرگ امپریالیستی آن دوران یعنی روسیه تزاری و انگلستان در سال ۱۹۰۷، شکست جنبش مشروطیت، جنگ بین الملل اول، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و قرارداد ۱۹۱۹ و شوق الدوله - کاکس و... همگی وقایعی بود که تاثیر فراوان بر جامعه ایران نهاد و عکس العملهای بسیاری را بوجود آورد. در آن هنگام مردم به تجربیاتی بسیار پر ارزش دست یافتند و اگر برخورد اراز رهبری صحیح، آگاه و دلسوزی بودند، مطمئنا کشتی شکسته ایران از گردابهای سهمگین نجات پیدا میکرد. هیبتهای که موج مبارزات خود بخودی مردم منتهی نیست کما که نجات کشور کند و سفینه میهن بدوین ناخدا دستخوش طوفانهای بعدی گردید. اما مردم در طی این سالها بحرانی طعم شیرین آزادی را کیشید نمودند. نسیم دل آویز آزادی گنگاهای برآستان بقیه در صفحه ۴

اول ماه مه را گرامی بداریم!

اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان است. در این روز فرخنده، کارگران در تظاهرات باشکوه همبستگی خود را جشن گرفته و بار دیگر به دنیا اعلام میدارند که عامل اصلی حرکت و رشد میباشند. این روز بزرگ نشانگر مبارزات طولانی و حسی طلبانه‌ای است که کارگران در راه دست آوردن حقوق حقه خود بر علیه جور و ستم انجام داده‌اند. در هنگامی که کارگران بقیه در صفحه ۲

عجز و ناله "نهضت آزادی"

گزارشی از:

بحث و گفتگویی در "سینه"

درباره ازدواج مریم و مسعود رحوی

بد نیال بخش اطلاعیه ۴ صفحه‌ای در فترسیاسی و کمیته مرکزی سازمان مجاهدین خلق در رابطه با معرفی "رهبری نویسن سازمان" و تصمیم ازدواج مسعود رحوی و مریم عضد انلو، در تاریخ ۲۹ مارس ۸۵ در "سینه" بیونیورسیتیته پاریس بحث و گفتگویی حول این مسئله صورت پذیرفت که بعلاوه بقیه در صفحه ۸

الهی به مقرآن در تاریخ ۲۲ بهمن ۶۳ و ضرب و شتم اعضای نهضت آزادی و مهر و موم شدن دفترشان اعتراض گردید و از رژیم بازگشایی دفتر مزبور خواسته شد. در واقع باید گفت نهضت آزادی اینبار نیز همانند گذشته با عجز و ناله متقاضای آزادی از رژیم جنایتکاری میبرد از که هر نوع ندای آزاد یخواهان و حقوق طلبان را سرکوب بقیه در صفحه ۶

اخیرا "نهضت آزادی ایران" به انتشار نامه‌ای پرداخت که در آن بالحنی "اعتراض آمیز" خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم جمهوری اسلامی را مورد خطاب قرار داده است. در اعتراضیه مزبور، نهضت آزادی ضمن تاکید بر اعتقاد و وفاداری به رژیم، به شرح مبسوطی از "ظلمهای" که نسبت به نهضت آزادی در طی این مدت روا شده، میبرد. در این نامه مخصوص بهتهاجم ۳۰۰ حزب -

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

بقیه از صفحه ۱

اول ماه مه را ...

سراسر گیتی اول ماه مه را جشن میگیرند ، کارگران میهن ماد رزیر پیوخ حکومت فاشیست مذ هیمی خمینی شدید ترین ستمهای غیر انسانی را متحمل میگردند و زیر پرکت اسلام انقلابی از ابتدا ای ترین حقوق خویشش محروم میباشند . این امر در شرایطی است که جنگ خانمانسوز و فرسایشی قریب به ه سال است در کشور ما ادامه دارد و صد ها هزار تن از مرد مجان خود را در راه استقرار رژیم اسلامی - که عامل اصلی موجودیتش به ادامه جنگ بستگی دارد - از دست داد ه اند . جنگ باعث آوارگی ، ویرانی ، تورم ، گرانی وید بختیهای بسیاری شده و کارگران ایران به همراه سایر مردم میهنمان مورد آماج سخت ترین فشارهای مادی ، جانی و روحی قرار گرفته اند . رژیم اسلامی بر آ ادامه حیات خود و ادامه جنگ بزر و اجبار کارگران را از کارخانه ها روانه جیبها میکند و یا به دستمزدها ناچیزشان برای " کمک به جیبهای جنگ میهنی " دستبرد میزند . رژیمها اتخاذ سیاستهای ضد کارگری ، ضد د مکراتیک و غیر انسانی ، با توسل به روشهای پلیسی ، ترور ، تهدید و ارباب به سرکوبی کلیه آزاد یخواهان از جمله کارگران ایران میبردند . در کارخانه های ایران شبکه های پلیسی ، جاسوسی انجمن های اسلامی ، با ایجاد جو ترور و وحشت کوچکترین عکس العمل های برحق و طبیعی کارگران را زیر نظر قرار داد و با شناسائی کارگران مبارز به اخراج ، شکنجه ، محکومیتهای درازمدت بیگانه نمودن و تیرباران مبارزات عادلانه کارگران را با قساوت و وحشیگریهای بی نظیر سرکوب میکند . همچنین رژیم اسلامی با اضافه کردن سلمات کار در کارخانه ها بالفو کلیه سندیکا های کلگری بلغو حق اعصاب و کربها ، لغو ایجاد تشکلهای صنفی و سیلی ، لغو سود ویژه ، لغو پاناش عینی بمنزله جزئی از دستمز

"پرستش کننده ترین بنده خدا بر زمین کیست؟"

... بخوانند شعر میبرد از د که در آن آقای رجوی را "پرستش کنندترین بنده خدا بر زمین" مینامد . و اما چرا ایشان "پرستش کنندترین بنده خدا بر زمین" لقب گرفته اند؟ باید گفت که این مسئله به از واج اخیر ایشان با خانم عضد انلو ارتباط پیدا میکند . اخیراً "دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان محاهدین خلق" با نشر اطلاعیه ای خیر از واج آقای رجوی با خانم مریم عضد انلو (همسر سابق آقای ابریشمی) را اعلام نمود و در توجیه این از واج که آنرا اقدامی "فرا تراز حماسه" بقیه در صفحه ۳

براستی آیا خوانند عزیز میتوانند باین پرسش عجیب پاسخ گوید؟ شاید اکثر فکر کنند یکی از حزب الهی های طرفدار خمینی این توصیف را در باره "امام امت" بکار برده است . اما با کمال تعجب و تاسف باید گفت که این پرستش کنندترین بنده خدا بر زمین نه خمینی بلکه آقای مسعود رجوی است . موضوع زاین قرار است که در مراسم تحویل سال نمود را تا مگا ه براد مسعود رجوی "خواهر مجاهد" طیحهر هبری پس از اینکه در وصف آقای رجوی میگوید : آخر تو خورشیدی هستی که من از تو ساطع شد م و

سراسری بکار بندند تا بتوانند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم کنند . رژیم خمینی کوشش میکند تا با احاد کردن اختلافات طبقاتی در د رون نیروهای مردمی و آزادی خواه ، میان صفوف ملت ایران انشعابات و شکافهای متعدد د ی را بوجود آورد . هدف رژیم اینست که اختلافات فرعی و غیر عمد ه بین مردم را آشتی ناپذیر و خصمانه جلوه داده و با مطرح کردن شعارهای انحرافی و حاد نمودن تضاد های طبقاتی " از وحدت ملت ایران جلوگیری کرد و به تحکیم ارکان حکومت خود بپردازد . باید متوجه این خطر بزرگ بود . مطرح کردن هرگونه شماری که وحدت ملت ایران را در مقابل رژیم خد شده ار کند ، تنها میتواند بنفع رژیم اسلامی محسوب گردد . اول ماه مه روز همبستگی کارگران روزی است که کارگران ما که بخش عظیمی از جامعه ایران را تشکیل میدهند ، همبستگی خود را با کلیه نیروهای آزاد یخواه و ملی تحکیم میبخشند . در ورنیست آن روزی که ملت ایران متحد و یکپارچه بتواند در راه برقرار نمودن د مکراسی و آزادی رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازد . □

کارگران و تدوین قوانین و مقررات ضد کارگری و اجرای بد و نوقه آن بصورت دشمن درجه یک کارگران ایران درآمده است . در شرایطی که بعلت سیاستهای ضد کارگری ، ضد ملی و جنگ طلبانه رژیم اسلامی بیش از ه میلیون کارگریکار رسمی ، و چندین میلیون دیگر کارگریکافر فصلی و غیر رسمی در بخش کشاورزی و سواختمانی وجود دارد ، اقتصاد ایران با بحران وحشتناکی روبروست و تورم و گرانی پیدا میکند ، نرخ تورم نسبت به سال ۵۷ بیش از ۵۰۰٪ افزایش پیدا کرده و در حالیکه حقوق کارگران ثابت مانده و کارگران ایران متحمل سخت ترین و بیبرحمتترین فشارها شده اند اما علییر تمام این مشکلات و سرکوبها با وجود اینکه کل کارگران ایران به علل گوناگون متشکل نیستند بعنوان بخش عظیمی از ملت بمقاومت در مقابل رژیم ضد کارگری و ضد ایرانی خمینی برداخته و مبارزات خود بخود آنهاد در کارخانه ها در حال رشد و گسترش است . و نمیتواند جدا از مبارزات سایر طبقات و نیروهای آزاد یخواه و مبارز و ملی باشد . بنابراین واقعیتهای جامعه ایران هم اکنون کلیه نیروهای آزاد یخواه و ملی از جمله کارگران ایران باید تمام همسر خود را در راه مبارزه متشکل ، متحد و

بقیه پرستش کننده ترین بنده خدا . . .

خواننده، بیان نمود هاند که شرکت نویسنده هری ما . . . لا حرم زوجیت و محرمیت آنها را با نیکو نگری اجاب میکند و در غیر اینصورت "ناقص و محسوسا ناقص" میباشد. در اطلاعیه مذکور که مضافاً در فترسیاس و کاب و کمیته مرکزی نیز در آن قید شده، کیش شخصیت، تبعیت کورکورانه از رهبر ستایش بی حد و حصر از شخص رجوی و . . . به نحو بارز و چشمگیری نمایان است. در ضمن در چند شماره اخیر نشریه مجاهد از نسوی گروهی از اعضای کاب و مرکزی و برخی از اعضای سازمان در تمجید چنین "انقلاب ایدئولوژیک" نامه‌ها و پیامهای تبریک و اشعاری نیز در رج گردید است. در خلاصه، تمام این نوشته‌ها، یکسری، شعارها، نقل قولهای یکپارخت و تکراری و توصیف عظمت "انقلاب رها ئیخس" ستایش از رهبری نوین" ردیف شده است. در واقع نباید گفت رهبری سازمان مجاهدین یا خدعه و نیرنگ آسمان و زمین را به هم چسبانده تا بتواند چنین عمل منحطی را که موجب خشم و اعتراض همگانی در سطح وسیع گردیده، توجیه نماید.

البته باید خاطر نشان ساخت که مشکلات و مسائل و روابط خصوصی آقای رجوی، مورد نظر ما نیست بلکه از آنجا که گویا "مسائل انقلاب ایران" و "خلق ایران" به شدت با ازواج ایشان با خانم عضد انلو بهم گره خورد است، به ذکر نکاتی چند پیرامون آن میپردازیم. البته در این مورد مطالب فراوانی بیان شده که نمونه‌هایی از آن در گفتگویش در رسیده (که در همین شماره نشانی به آرای، ایران آنرا ملاحظه میفرمائید) و با نشریات مختلف نیز منعکس شده است. در نتیجه ما از تکرار آن خودداری کردیم و بدین جهت نگفتمدیگر بسند می‌کنیم.

در اطلاعیه فترسیاسی آمد است که در هفته‌های اخیر سازمان به ضرورت

ایدئولوژیک، و تشکیلاتی از و اج مریم و سموت بر برد، اما آقای رجوی به علت "مواضع ناسی و اخلاقی خویش" در ابتدا مخالف این "انقلاب ایدئولوژیک" (جدائی آقای ابریشمچی از همسرش و سپس از و اج خانم عضد انلو با آقای رجوی) بود و در اثر "شتم اذ و نا فشاری" در فترسیاسی سازمان آقای رجوی با از خود گذشتگی و ایثار بی نظیر این تصمیم را پذیرفتند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که چگونه ضرورت این "انقلاب ایدئولوژیک" را رهبر نتوانسته تشخیص دهد و حتی با انجام آن مخالف نیز بود است؟ رهبری که در تمجید آن در فترسیاسی اورا به عرش اعلی برد هوازا و بعنوان "معلم بزرگی که تحت چتر رهبری او هر همه پیشرفت‌های داخلی و بین المللی نائل گشته اند و . . . صحبت میکند، رهبری که همیشه زودتر از دیگران به مسائل بی میبرد و پیش بینی آینده را می نماید، رهبری که از او بعنوان پرستش کنند هترین بند ه خدا بر زمین نام میبرند، اینبار نه تنها قبل از همه بلزوم و عظمت "انقلاب ایدئولوژیک رها ئیخس" که طوفانها بیاموده و . . . نبرد، بلکه آن مخالفت نیز نمود؟ آیا در زیر کاسه نمیم کاسه‌ای نیست؟

سازمان مجاهدین در تأیید "ره آورد های این انقلاب" در طی این مدت کوتاهی مطالب بسیاری بیان نمود است، اما شاید برای خوانندگان عزیز عجیب و یا ورنکردنی باشد که چنین "انقلاب عظیم بنیادین" میتواندست بدلیل انجام نگیرد. موانع و اشکالاتی میتواندست بر سر راه این "انقلاب کبیر" قرار گرفته و از ظهور آن جلوگیری بعمل آورد. اما چه عوامل و دلیلی میتواندست مانع از صورت گرفتن این "انقلاب عظیم" باشد؟ این سوال را در فترسیاسی و کمیته مرکزی سازمان مجاهدین پاسخ گفته است آنان که نمود هاند که اگر "آقای رجوی متاهل بود و همسر قبلی اش از او جدا نشده

تن میدادند. یعنی در صورت متاهل بودن آقای رجوی هرگز "انقلاب کبیر و نوین" - که حتی باعث گردید ه افرادی خواستار "عطیات انتحاری برای طوفانها بیاموده . . . و حتی باعث گردید ه که افرادی خواستار "عطیات انتحاری برای چنین انقلابی گردند (رجوع شود به نامه خان پروناک علی نژاد مندرج در مجاهد شماره ۴۴) - بوقوع نمی پیوست.

لازمه یادآوری است که در پی معرفی "رهبری نوین" سازمان مجاهدین که در تاریخ ۷ بهمن ۱۶۳ از طریق آقای رجوی به اطلاع همگان رسید و خانم عضد انلو به مقام همردیف مسئول اول سازمان معرفی شد و آقای رجوی این ارتقا سمت را "اقدام ایدئولوژیک" قلمداد نمود، نامه‌ای و پیامی به "رهبری نوین سازمان" ارسال نکردید، اما پس از تصمیم گیری در باره "زوجیت و محرمیت یافتن رهبری نوین" یعنی پس از تاریخ ۲۷ اسفند ناگهان سیل پیامهای تبریک و تمجید به سوی آنان سرا زیرگشت. گویا قبل از تصمیم گیری به از و اج "همردیف مسئول اول آقای رجوی" نمیتوانست به وظایف تشکیلاتی خود عمل نماید اما پس از تصمیم گیری این امر تحقق مییابد و خانم رجوی مورد توجه قرار میگیرد.

در شرایطی که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران میباشد و کلیه آزاد یخواهان میبایست تمام هم و غم خود را در راه سرنگونی رژیم بکار بندند، مناسبانه‌سازمان مجاهدین با انتخاب چنین روشهایی که نشانگر انحطاط رهبری مجاهدین میباشد، در واقع آب به آسیاب دشمن ریخته و به مبارزات آزاد یخواهان مردم ملطمه وارد میآورد. رهبری مجاهدین با رواج کیش شخصیت در واقع به نوع دیگر از ولایت فقیه و دیکتاتوری صحت گذشته و همچنین با ایجاد روابط غیردیکراتیک بقیه در صفحه ۲۱

بقیه از صفحه ۱

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

د میده و موجب رشد آگاهیشان گشته و کم کم متوجه نقش مخرب مذهبیهیون در امور سیاسی شده بودند و حنای آخوند هاد یگر رنگی نداشت ، بنابراین با توجه به رویدادهای آن دوران ، در خالت و نفوذ روحانیون در امور سیاسی کشور کا هشر یافت . بطوریکه پس از کودتای سوم اسفند ۱۳۹۹ (فوریه ۱۹۲۱) و بخصوص در طول سلطنت رضاشاه نفوذ روحانیون در زندگی اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی بشدت محدود گردید . و هرگونه مخالفت و یا مقاومت آنان در رهم شکسته شد . قدرتهای استعماری نیز متوجه این امر شدند و نمودند که آخوند از "وجه" پیشین در بین مردم برخوردار نیستند پس کوشش نمودند تا از طریق و اشکال دیگری برای تسلط بر ایران بهره برنمایند . پس از جنگ بین الملل و موبیرکناری رضاشاه تا آغاز مبارزات ملی ویرشکوه مصدق نفوذ روحانیون همچنان روی کا هشر بسود . بخصوص ما بدید آمدن آزاد بیهای مکراتیک و گسترده ، بهره برداری از این سلاح قدیمی بسیار مشکل مینمود . اما بارشده مبارزات ملی تحت رهبری و کتر مصدق قدرتهای استعماری بار دیگر توانستند از آیت الله کاشانی که در ابتدا ای جنگ بین الملل در و ما ز آلمان نازی طرفداری کرده و به معین در لیل مدتی بوسیله ما موران انگلیسی بازداشت بود ، برای تفرقه و جدایی افکندن در بین نیروهای ملی استفاده کنند . البته تفسیرات عظیمی که پس از شکست آلمان نازی و جنگ بین الملل و مبعود آمد ، موجب قطب بندی بیهای جدیدی در رحبان گردید . جنبشهای آزاد بخوانها و مکراتیک بسیاری در سراسر جهان بدید ارشدند ، بسیاری از کشورهای آسیای و آفریقای توانستند به استقلال دست یابند . جنگ کره و اوچ گیری مبارزات ملی در ایران بر رهبری مصدق و کوتای ۲۸ مرد ارد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) همگی از عوامل محسوب شدند که در شکل گیری تضاد های نوین بین المللی نقش بسزائی را ایفا نمودند . این تحولات و قطب بندی بیهای بین المللی خواهی نخواهی نمیتوانست بی تاثیر در اوضاع درونی کشور ما باشد . بخصوص که ایران در منطقه ای فوق العاده حساس استراتژیک قرار داشت و دارای ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با اتحاد شوروی بود . با توجه به تحولات درونی ایران در نیمه دوم قرن بیستم و کشمکشها و رقابتها پیچیده بود ، رجال رشد بین قدرتهای بزرگ استعماری بر سر ایران نقش آخوند های وابسته ای ، که آرام آرام در باره حرکت در آمد موند ، میتوانست مورد بهره برداری قرار گیرد . تلاشهای عوامل مذهبی اینبار نیز چون گذشته مانند یک غده کوچک سرطانی در ابتدا ای امر بسیار نا چیز جلوه میکرد ،

ولی قدرتهای سلطه گر خارجی بخوبی میدانستند که اگر این غده در شرایط مساعدی رشد کرد و به طبیب حاذق و هوشیار از پیشرفت آن جلوگیری نکند ، میتواند روزی ملتی را بزانوا فکند و منافع آنان تامین شود . این نقش را اینبار آنان به فرد گنما سی واگذار کرد موند که از اوتاحد و د سن ۶۰ سالگی هیچگونه اثری در زمینه سیاسی دید میاشند هشد موند . این مرد آیت الله خمینی بود . از اولین برنامه های آیت الله خمینی مخالفت با اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری حق رای به زنان بود . بطوریکه آیت الله خمینی در اسفند ۱۳۴۱ در بیانیه ای تحت عنوان "روحانیت اسلام سال عید ندارد" اعلام کرد : " دستگا حاکمه ایران با حکام مقدسه اسلام تجا و زکرد و یا حکام مسلمه قرآن قصد تجا و زکرد و نوا میس مسلمین در شرف هتک است و دستگا جابر با تصویب نامه های خلاف شرع و قانون اساسی میخواهد زندهای نحیف را ننگین و ملت ایران را سرفا کند ه کند . دستگا جابر در نظر دارند تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد یعنی دخترهای هیچد ساله را به نظام جباری ببرد و سرباز خانه ها بکشد یعنی بازو سر نیزه دخترهای جوان عقیف مسلمانان را بر اکز فحشا ببرد . هدف اجابت قرآن و روحانیت است (۱)

آری مردی مذهبی و خرافاتی در نیمه دوم قرن بیستم بر طبق روال اسلاف خود و آخوند های وابسته استعماری که با خالت دین در امور سیاسی ، مملکت را بر و رسیا ه نشانده موند ، میخواهید بارد دیگری استفاده از اسلام و شریعت و گفته ها و نظرات و آرزوهای که شیخ فضل الله نوریتوانسته بود در انقلاب مشروطیت بنفع اربابان خارجی خود آنطور که باید و شاید بکرس بنشانند ، به مرحله جرات رآورد . بر استی که عوامل اساسی سبب شدند تا آیت الله خمینی در میان داخلی و خارجی بتوانند بارد دیگر مانند گذشته استفاده از مذهب در امور سیاسی ایران در خالت کنند و ملتی به بند کشید ه شود ؟ اگر ما به عوامل درونی که باعث شدند و یا تغییریدیدها و چیزهاست توجه کنیم این سؤال مطرح میگردد که آیا یکی از عوامل درونی اصلی در رشد این غده سرطانی همان عد م وجود آزاد بیهای مکراتیک نبود هاست ؟ در حالیکه ولتتها بقر قدرت استعماری همواره در صدد با بهره برداری از نقاط ضعف یک ملت ، مردم ایران را به زیر یوغ بکشاندند ، در شرایط نابسود مکراسی و آزادی که ضامن اصلی رشد آگاهیهای سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی است مردم که اصلاح میتوانند محرز کردند تا از زمین و منافع ملی خود دفاع کنند ؟ آیا مبارزات پیرشکوه ملی بر رهبری د کتر



بقیه در باره ماهیت ادغام...

مصدق زائید شرایط د مکراتیکی نبود که رساله‌های بعد از جنگ بین‌الملل د مفرام آمد؟ شرایط غیرد مکراتیکی د ایران بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ وعد موجود آزاد بیهای فردی، اجتماعی و سیاسی بهترین ویا شاید تنها دلیل اصلی د رونی رامهیا کرد تا شخصی مانند خمینی وحامیان داخلی وخارجی وی بتوانند در طی ۷ سال باتکیه بر تمام تجربیاتی که استعمار د ایران وجهان اند و ختم بود، مرد منا آگاه، فارغ البال و از همه جا بیخبر را با وعد‌های سرخرمن ود روفین د ربار آزادی، استقلال وعد الت اجتماعی، "حقوق مستضعفین" و... فریب دهند. هنگامیکه با مرد معاد روی و میشویم اغلب با کلامی حسرت بارویشیمان میگویند: آنچه اشتبا بزرگی کردیم بده همین مابودیم که در تظاهرات خیابانی راه افتادیم و کور کورانه خواهان روی کار آمدن یک رژیم اسلامی شدیم. اکنون باید چوب اعمال خود را بخوریم و با تلخترین شکلی باین نتیجه کار خویش رویرو شویم. ولی آیا براستی مرد منا آگاه و غیرسیاسی ایران مقصر میباشند؟ آیا اگر مرد م ایران آگاه بودند و میدانستند که رئیس تشری ادغام بین و سیاست همواره منافع قدرتهای بزرگ استعمارنی نهفته است هرگز از خمینی و جمهوری اسلامی رژیم "مشرقی و تفریق" حمایت میکردند؟ بنا بر این باید بطور واقع بینانه دیدن تعصب به دلیل اصلی د رونی روی کار آمدن رژیم اسلامی توجه کرد و مانند برخی از دستان مینداشت که علل خارجی موجب تغییرات ود گرگونیهای ۶ سال گذشته بود است. البته تضادهای خارجی ونقش قدرتهای سلطه‌گرینگانه میتواند مؤثر باشد ولی هرگز نمیتواند بعنوان عامل اصلی وعد د اخلی عمل کند.

۶- وجوه مشترک اسلام انقلابی و سوسیالیسم علمی

بسیار خوب، ما از نقش توطئه آمیز آخوند ها و مذ هبیبون وابسته را برای سیاستهای سلطه جویانه میگانه و شخص خمینی د ر طول تاریخ ایران آگاه شد و توجه داریم که آنان تا چه اندازه ای د ر راه پیشبرد اهداف اربابان نشان تلاش نمود و برای نابودی ایران اقدام کرد و میکنند. اما سخنی که مطرح میگردد اینست که د ر این میان نقش "روشنفکران مترقی"، "پیشرفته" و "متعهد" ما د ر افشای آخوند های مرتجعی چون خمینی که از همان ابتدا ای فعالیتهایشان تحت لوای دین بهد خالت د ر امور سیاسی کشور برد اخته بودند، چه بود؟ آیا آنان از نتایج حاصله و واقعیت مبارزات پیگیرانند یشمندان و آزاد یخواهان بزرگ تاریخ بشریت د ر باره حدایی دین از سیاست بی اطلاع بودند؟ د ر این میان دستهای دیگر که د اعیه رهبری طبقه کارگر ایران را داشتند و خود را "حزب طراز نوین طبقه کارگر" نامید هوستنگ "مارکسیسم" رانییز

بسیه میزند، آیا نمیدانستند که دین باید از سیاست جدا باشد؟ پس بر اساس کد ام تفکر و اندیشه، این اصل علمی، خدشناپذیر و ثابت شد و در تاریخ بشریت - یعنی جدایی دین از سیاست و دولت - راز برپا نهادند؟

حزب تود ه ایران از ابتدا ای تشکیل خود د ر باره د خالت دین د ر سیاست با اتخاذ خط مشی سرایا اشتباه و انحرافی زمینیه فعالیتها و تبلیغات "مذ هبی، سیاسی" را بوجود آورد. بطوریکه د ر ۴۰ سال پیش پایه‌های ایدئولوژیکی، سیاسی، تبلیغاتی و... چنین خط مشی و روشی را بی ریزی نمود. حزب تود ه د ر ۱۵ دیمه ۳۲ د ر اعلامیه‌ای با حروف د رشت لبراز داشت که "... حزب تود ه ایران نه فقط مخالف مذ هب نیست، بلکه مذ هب بطور کلی و مذ هب اسلام مخصوصا احترام میگذارد و روش حزبی خود را با تعلیمات عالییه مذ هب محمدی منافی نمیداند، بلکه معتقد است که د ر راه مذ هب‌های مذ هب اسلام میکوشد. حزب ما فوق العاده خرسند و مسرور و مفتخر خواهد بود اگر از طرف روحانیون روشن فکر ود انشمنند مورد حمایت قرار گیرد و آرزو دارد که تمام مدت بین به دینت اسلام بدین توجه به بهتانهایی د شمنان مطمئن باشند که حزب تود ه ایران حامی جدی تعالیم مقدس اسلام خواهد بود و با آن ذره‌ای معاند و مخالفت نخواهد داشت و هرگونه مخالفتی را ابلهانه خواهد پنداشت. و هرکسی را که بنا بر حزب تود ه ایران د ماز مخالفت بدین بزند آنرا و شدید از صفوف خود طرد خواهد کرد (۷) بنا بر این ۴۰ سال پیش آری. ۴۰ سال پیش استراتژی همکاری همه جانبه حزب تود ه ایران با آخوند ها تعیین گردید. بیهوده نبود که آنان بعد ها بر د خالت آخوند هائی چون خمینی و طالقانی و... د ر امور سیاسی ایران صحه گذاردند! و کشوری را بسوی پرتگاهی عمیق و نابود کنند هر همنون شدند. نتیجه چنین تفکری این بود که حزب تود ه ایران د ر اول تیر ماه ۱۳۴۲ د ر مقاله‌ای تحت عنوان "مرد مازیشوایان آزاد یخواه و استقلال طلب دینسی پشتیبانی میکنند" مینویسد: "بطوریکه معلوم است روز ۲۲ آبان ماه ما مورین شاه آیت الله خمینی را تحت الحفظ از قهفرود گاه مهرآباد بردند و از آنجا بقصد نامعلومی خارج از کشور تبعید کردند. گفته میشود که ایشان را به از میرد ر ترکیه فرستاد هانند. بعید هم نیست زیرا ترکها با د ولت ایران د ر سنت و هم پیمان هستند و با آیت الله خمینی همان رفتاری را خواهند نمود که د ولت ایران کرد. آنچه مسلم است آیت الله خمینی را جانی برد هاند که از هر نوع آزادی محروم است... (نشریه) خواند نیها برای جبران این اشتباه، کوشید باین استناد که راد یولندن ضمن پخش خبر تبعید آیت الله خمینی از ونا مرهبر شیعیان ایران یاد کرده

بقیه از صفحه ۱

عجز و ناله "نهضت آزادی"

نمود و هوایران را به زندان بزرگی مبدل ساخته است.

نهضت آزادی در چنین شرایط خفقان آوری که در کشور ماحکوم فرماست، با "تبعیت" از رژیم مرتباً به چاپ و نشر جزوات، اعلامیه‌ها، کتب با تیراژ وسیع و برپایی میتینگ مبادرت می‌ورزد. گناه از دیکتاتور بودن رهبران جمهوری اسلامی را در سخن میراند، گاه حاکمیت آنان را محکوم نمود و روزمانی نیز از شیوه عمل انفراد "حزب الهی" انتقاد کرد و می‌گوید "چنین روش‌هایی آيا شایسته حکومتی است که نام اسلامی بر خود گذاشته؟" و یا خواهان اجازه انتشار روزنامه میزان را گردید و هم چنین برای بازگشایی مقر "نهضت آزادی" که مبروم و موم شد هاست، اصرار می‌ورزد و . . . همچنین در شرایطی که مردم دما هر روز بیش از پیش خشم و نفرت خود را از رژیم خمینی به طرق مختلف ابراز می‌دارند، از جمله تظاهرات گسترده اخیر مردم علیه رژیم را اکثر نقاط تهران و شهرستان‌ها گویای این انزجار است، در چنین موقعیتی نهضت آزادی آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری رژیم اعلان داشته و کاندید این را نیز برای ریاست جمهوری معرفی نمود هاست.

رهبران رژیم جمهوری اسلامی نیز با برنامه و هدف خاصی سیاست در وپهلورا در مورد آنان اتخاذ کرده اند. از یکسو احاز هانتشار کتب، جزوات و برپایی میتینگ به نهضت آزادی را در اد هوازسوی دیگر به طرق مختلف از طریق رسانه‌های گروهی و یا اعمال حزب الهی خود آنان را مورد تهدید قرار داد و به ضرب و شتم آنان میبرد ازند. گاه با عنوان خائن نهضت آزادی را مخاطب قرار میدهند و گاه از جان و مال آنان

حفاظت بعمل میا ویندوزمانی نیز در فاش شدن را مبروم و موم میکنند و مانع فعالیت علنی شان میگرددند.

چندی پیش پس از چاپ و نشر کتاب "انقلاب ایران در رد و حرکت" اثر آقای بازرگان از انتشارات "نهضت آزادی"، خانه‌ای در نماز جمعه ۲۲ بهمن ۶۳ در مورد آنان چنین گفت: "دست‌های خائن، قلم‌های دروغ‌نویس چه در کشورمان و چه در خارج در حال نوشتن هستند. آنان در حال نوشتن وقایع در روغینی بر روی صفحه کاغذ هستند و حقایق را کتمان میکنند. آنهم با کمال قسوت. . . با توجه به اینکه خبرها باید بصورت صادق به نسل بعد منتقل شود من می‌گویم این خیانت است."

اگر روزنامه‌های رژیم را نیز ورق بزنیم با نمونه‌های فراوانی از این قبیل حملات روبرو میشویم: "لیرالها هیچگاه نیرو به جیبه نفرستادند، هیچ کمکی به جیبه نکردند. . . در عین حال همیشه علیه جنگ کارشکنی کردند و این روزها علاوه بر این خیانت اقدام خیانت بزرگتری کرده اند که تحریف انقلاب اسلامی است."

(نقل از سرمقاله جمهوری اسلامی تحت عنوان در استان و دشمنان انقلاب (۲۲ بهمن ۶۳) مطبوعات رژیم از یکطرف بالحن شدیدی به نهضت آزادی حمله نمود و از طرف دیگر با "افسوس" از آنان یاد کرد و هوانسدرز میدهند که "آیا فکر نمیکنند که بهتر باشد به مردم بپیوندند و با آنها همصد اشوند؟"

(۲۳ بهمن ۶۳ روزنامه جمهوری اسلامی) و اما اینکه چگونه افراد ای مثال آقای بازرگان که مقول رژیم "خیانتکارند" در کشور که هیچگونه آزادی در هیچ‌زمینه‌ای وجود ندارد، تحت نظر چنین حکومت فاشیستی هنوز به فعالیت و همکاری با رژیم مشغولند

بسیار قابل تعمق است.

در واقع باید گفت تصور بسینه‌های رژیم جمهوری اسلامی از نقش بازرگان و یاراناش بخوبی آگاه هستند و از وجود عناصری مانند آنان برای تحکیم پایه‌های حکومت خود استفاده کرده و می نمایند. البته آنان علیرغم اختلافات شدید با یکدیگر رژیم‌ها نیز دارای منافع مشترک میباشند. از حمله رژیم برای حفظ منافع عظیم اقتصادی خود در بازار - که نهضت آزادی نیز در آنجا از قدرت و حمایت بسیاری برخوردار است، به‌گروم بازرگان که طرفدار "بخش خصوصی" می باشد، اجازه فعالیت محدود را قائل شده است. همچنین رهبران رژیم با استفاده از سیاست تهدید و اوعاب مرتباً گروه‌ها را مجبور می‌نمایند که از مواضع خود عدول کرده و مواضع خط امام را اتخاذ نمایند. البته این مسئله تا وقتی ادامه خواهد داشت که منافع رژیم حفظ شود و بهره‌مندی از آن به عمل آید و در غیر این صورت رژیم حتی وجود چنین عناصری را نیز تحمل نخواهد نمود. منافع و همچنین پشت گرمی به غرب و امید به اینکه بتوانند در آیند به قدرت برسند و یا با تبعیت از عناصر خط امام و قبول کردن مواضع آنان، خود نیز صاحب مقام گردند، به همکاری نتنگنشان با رژیم اسلامی ادامه داد و در زمره همدستان رژیم خمینی محسوب میگرددند.

در روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب جمهوری اسلامی میخوانیم: "در جمهوری اسلامی نه تنها . . . محدودیتی بسرای لیرالها وجود ندارد، بلکه حتی لیرالها آزادانه علیه مواضع دولت در رساله جنگ هر چه می‌خواهند می‌گویند و می‌نویسند و تلاش وسیعی برای در لسر کردن مردم نسبت به ادومه جنگ تا نیروی نهایی بعمل می‌آورند." (۲۱ بهمن ۶۳)



بقیه عجز و ناله نهضت آزادی

همانگونه که بینیم در نظر گرفتند اما عاقلان رژیم مطمئنند که آنها احازمیدهند " لیبرالها آزادانه علیه مواضع دولت سخن برانند و ایسند در لایله نیز همانگونه که اشاره کردید به علت وجود منافع مشترک در بعضی از زمینه ها بین دو طرف میباشد و ادعاهای نهضت آزادی مبنی بر یکتا بودن خواندن رهبران رژیم خمینی شعاری بیش نیست و عملاً پس از این همه کشتار و حنایات هنوز به همکاری خود با رژیم ادامه میدهند .

در این میان در روزن ایوبیسیون نیز نظرات گوناگونی در رابطه با گروه نهضت آزادی و بازگان مطرح است . برخی از افراد و نیروها در "تئوریهای" خود از قدرت و نفوذ بازگان و نیروهای مخالف خط امام در روزن رژیم سخن گفته و عنوان میکنند امکان اینکه تغییر و تحولاتی به نفع گروه بازگان بوجود آید ، بسیار است .

از طرف دیگر متاسفانه برخی از نیروهای ایوبیسیون نیز نقش سخنگوی نهضت آزادی را ایفا کرده و به نحوی به تائید و تمحید آن میپردازند . برخی نیز با دل بستن به نهضت آزادی به استحال رژیم معتقدند . اما ببینیم واقعیات چیست ؟ و گروه بازگان تا چه اندازه از قدرت برخوردار بود و وجه نقشی را عهد دار میباشند ؟ در واقع پس از اشغال سفارت آمریکا بوسیله " دانشجویان پیرو خط امام " که دولت بازگان سقوط نمود ، گروه طرفدار وی روز بروز تضعیفتر گشته و اهرمهای قدرت را یکی پس از دیگری از دست داده است و در مقابل نیروهای طرفدار خط امام قدرتمندتر گشته و کنترل اکثر ارگانها (ریاست جمهوری نخست وزیری ، هیات دولت مجلس ، ارتش موسسات مختلف ، سپاه پاسداران و ...) را بدست گرفته اند . در حال حاضر گروه نهضت آزادی در هیچکدام از ارگانها در ولتی نقش موثری را دارا نبود و از قدرت

چندان برخوردار نیست و مجبور شده است آرام آرام به سیاستهای " خط امام " گردن نهسد . البته از همان ابتدای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی تا به امروز رقابت و کشمکشهای شدید بر سر تصاحب نهاد های مختلف حکومت بین آنان وجود داشته است ، اما با توجه به واقعیات موجود در شرایط فعلی امکان بقدرت رسیدن بازگان بسیار بعید بنظر میرسد .

در مورد گروهها و افرادی که به استحال رژیم اعتقاد دارند ، باید گفت چنین رژیم ضد ملی و ضد انسانی که ملت وجودی اش سرپایه سرکوب ، اختناق ، ترور ، کشتار ، ادامه جنگ و ... متکی است ، با توجه به ماهیت و سرشت آن سلماً انتظار هر نوع " استحال " از جانب آن انتظاری نیست و بیباید است و چنین رژیمی استحال پذیر نخواهد بود . □

س - بزرگمهر

بقیه از صفحه ۱۷

نگاهی بر مطبوعات ...

کردستان و سنندج و مریوان اخباری گزارش شده است و اینکه چگونه مزدوران رژیم با محاصره روستاها شبانه به خانه گردی و دستگیری جوانان میپردازند . آنان نیز " دسته دسته به مناطق تحت تسلط پیشمرگان روی آور میشوند . نیروهای دولتی همه جا با مقاومت و اعتراض مردم مواجه شده اند و ... علی رغم فشارهای شدید رژیم تسلیم این سیاست ارتجالی نمیگردند ."

مقاومت مردم کردستان علیه طرح " تسلیح اجباری " مقاومتی بحق و صحیح است . این مقاومت نه تنها در کردستان که از شرایط مبارزاتی ویژه ای برخوردار است ، کاملاً مشهود میباشد ،

بلکه در نقاط دیگر ایران نیز مردم به اشکال مختلف و به عناوین گوناگونی از رفتن به جبهه ها سرباز میزنند . امید است رهبران " کومه له " که خود از نزدیک با مصایب ، دردها و رنجهای مردم ستم دیده کردستان به خوبی واقفند و از نتایج اتحاد و عواقب تفرقه و پراکندگی مطلع اند و بر علیه

رژیم نیز مبارزه میکنند ، با در نظر گرفتن اینکه دشمن اصلی مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی است ، با همبستگی و اتحاد عمل با سایر نیروها و سازمانهای موجود در کردستان بجای درگیر شدن در مبارزات انحرافی و " برادر کشی " تمام هم و انرژوی خود را معطوف به مبارزه بر علیه رژیم نموده و برای سرنگونی آن متفقاً عمل نمایند . □

توضیح :

متاسفانه بعلمت کمبود جا در ناله مقاله " چه کسانی از جنگ ایران و عراق بهره میجویند ؟ " بقلم آقای هوشنگ رزم آزاد را این شماره رد رج نشد است . با عرض پوزش از خوانندگان عزیز و نویسنده مقاله در ناله مطلب در شماره های آیند چاپ خواهد شد .

هیئت تحریر آزادی ایران

بحث و گفتگویی در "سینه"

اهمیت سوالات و نظرات مطرح شده از طرف حاضرین، در ذیل خلاصه و اهم بحث مذکور منعکس میگردد. بحث فوق با سوال یکی از حاضرین در "سینه" از مسئولین مجاهدین آغاز گشت و چون حاضرین دیگر نیز سوالاتی مشابه و گوناگون در این زمینه داشته و علاقمند بودند در بحث شرکت کنند، قرار شد ابتدا حاضرین در بحث سوالات خود را مطرح نمایند و سپس مسئولین مجاهدین به آنان پاسخ دهند و در پایان در اوطلبین میتوانند به ترتیب نوبت در جلسه صحبت نمایند. اهم سوالات مطرح شد به قرار زیر بود:

★ اگر ضرورت "انقلاب" ایجاب میکرد که رجوی با مریم عضد انلوازد واج کند چگونه در اطلاعیه آمدن است که: "حال اگر مسعود متاهل میبود و همسر قبلی اش از او جدا نشده و طلاق نگرفته و نیز اگر ملاحظات اصولی دیگر در کار بود ناگزیر میباید تقیضه جدی مورد بحث در ترکیب رهبری نویسنده سازمان را پذیرفته و به کلیه زیرانهای ایدئولوژیک و تشکیلاتی واجتماعی و سیاسی آن - بخاطر اصول مصالح بالاتری - تن میدادیم؟ و چگونه است که بخاطر ملاحظات اصولی رجوی نمی بایست از فیروز مینی صدر جدا شود ولیکن مریم عضد انلوازد اشتن یک غریزند باید از مهدی ابریشمی طلاق گرفته و به ازدواج رجوی درآید؟

★ بدون درك احساسات و عواطف موجود در كانون خانواده "رهائی بخشیدن زن" چگونه قوی است؟ آیا رهایی زن در زندگی خصوصی رجوی خلاصه شد است؟ و کلا باید دید برنامه مجاهدین در چارچوب قوانین اسلامی برای رهایی زن چیست؟

★ این عمل تاجه حد به انقلاب و تاجه حد به ضد انقلاب کمک میکند، شما اصلترین سنت مرد مرا شکستید و آنکه توضیح قانع کننده ای برای آن داشته باشید. در صورتیکه ما خود هوادار مجاهدین هستیم و با وجود اینکه تبلیغات وسیعی روی این مسئله انجام دادید (که امکان آن در داخل کشور اصلا وجود ندارد) نتوانستید این مسئله را برای ما روشن کنید و وعده ۱۰ سال آیند را برای درك این مسئله ما دادید فکر میکنید موضع مرد در داخل ایران با این حرکت چه خواهد بود؟ آیا این عمل ضربه روحی بر دیگر همان مجاهدین که در زندانها هستند وارد نمی آورد؟

★ اگر این عمل درست است و توان انقلابی مجاهدین را صد چند ان نمودن است حرا در سطح سازمانی همه گیر نمیشود؟

★ در قوانین اسلامی آمدن است که حد اقل ۳ ماهه و ۱۰ روز بعد از طلاق نباید ازدواج کرد چرا این مدت رعایت نگردید است؟

اگر زن دیگری به سطح ایدئولوژیک مریم برسد و یا اگر احیاناً رجوی فوت کند وضع چگونه میشود؟

بعد از طرح سوالات یکی از مسئولین

مجاهدین نظرات خود را چنین بیان نمود:

"این حرکت بمثابة کوره ای بود که تمام میست سازمان را در آن انداختیم که اگر در آن ناخالصی وجود داشته باشد، ذوب شود و اگر نداشته باشد آید متری گردد. این حرکت انقلابی ما هم در اثر پشتوانه ای است که ما داریم. ما به شهدا، اسرا و زنان خود استناد میکنیم. اگر ۳۰ خردارد را انجام دادیم، درست به علت پشتوانه ای بود که از قبل داشتیم و اسلحه کشیدیم. در حال حاضر ۳۰٪ از بیکر سازمان و ۲۰٪ از شهدای ما را زنان تشکیل

میدهند و این عمل هم به پشتوانه همین شهدایمان است و..."

در این اثنا برخی از شرکت کنندگان در بحث به نحو میاسخگویی به سوالات از طرف مسئول مجاهدین اعتراض نمود و بیان کردند که به علت محدود بودن وقت و همچنین دوری جستن از گلی گویی هایی که تمام شد در بیانیه نیز آمدن است به هر سوال مشخص پاسخ مشخص داد میشود. بدنیال این اعتراضات نمایند مجاهدین به سوالات ذکر شده پاسخهای کوتاهی دادند. ایشان در رابطه با سوالی که گفته شد "مرد اگر در "آیند مرد" تشکیلاتی عضد انلوازد بین بیاید و یا احیاناً رجوی فوت کند و یا چرا اگر رجوی متاهل میبود این ازدواج نمی بایست صورت پذیرد"

گفت: "ضرورتها الحظه های خاصی ایجاب میکند و اگر، نمیباید برند بنا بر این دیگر این اگرها موضوعیت ندارد. اگر ما به ضرورت انجام کاری برسیم، بلافاصله عمل کرد و به بازتابهای اجتماعی آن نگاه نمیکیم و سپس ادامه دادند که "ما هیچ الزامی نداریم که تمام مستشاران محترم بشماریم" و با آوردن مثالی از بیفمبر که سنت زمان خویش را با ازدواج با همسر پسر خواند خود شکسته بود این عمل را توجیه نمود. ایشان در دنبال سخنانشان اضافه نمودند که چون این عمل فراتر از همه حماسه ها و واجیثار و فدکاری بود است، بنا بر این در سازمان همه گیر نمیشود و در رابطه با رعایت مدت لازم برای ازدواج پس از گرفتن طلاق گفتند که مسعود رجوی و مریم عضد انلوازد فقط تصمیم نه از ازدواج گرفته اند و در ۳۰ خردارد ۶۴ با در نظر گرفتن تمام اصول شرعی باید یکدیگر از ازدواج خواهند نمود.

بقیه گزارش از بحث و گفتگوی . . .

در ضمن لازم می‌آورد آوری است که در همان روز ۲ اعلامیه که یکی قبل از شروع بحث و با امضای کسانی که "خود را" سالیان دراز خاص و هوادار می‌خواند می‌بودند، پخش شد و دیگری در اثنا بحث و گفتگو و از طرف "گروهی از هواداران سابق سازمان مجاهدین خلق ایران" پخش گردید که در اطلاعیه‌ها خیر آمد بود: "ما اعلام می‌کنیم که رهبری تکونی سازمان مجاهدین خلق، بغایت اپورتونیستی و مبتنی بر نظم سیاسی بوروکراتیک و غیر انقلابی است. از این تاریخ در هر کجا که ضرورت داشته باشد، در افشای مواضع اپورتونیستی آن خواهیم کوشید. . . . و همچنین حرکت به اصطلاح "جهش

اید طولی یکی نوین" اخیر این رهبری را بشدت محکوم کرده و آنرا عملی غیر توحیدی و غیر انقلابی و برخلاف مصالح خلق و انقلاب میدانیم.

پخش اعلامیه‌های مذکور باعث اعتراض یکی از هواداران مجاهدین گردید. وی در اوایل بحث در حالیکه بسیار عصبانی و بر آشفتگی بود یکی از اعلامیه‌هایی که در آن روز پخش شد بود، رای مردم نشان داد و گفت "معلوم نیست چه کسانی این اعلامیه‌ها را پخش کردند، یک سری لمن که هیچ کس هم آنها را نمی‌شناسد و تنها هدفشان لطمه زدن به سازمان مجاهدین خلق است این اعلامیه‌ها را پخش نمودند و . . ."

در این لحظه کسانی که اطلاعیه "گروهی از هواداران سابق سازمان مجاهدین خلق ایران" را امضا نمودند خود را معرفی کردند. یکی از آنان گفت: "من از کردستان می‌آیم و افتخار هم می‌کنم که زیر این اعلامیه را امضا نمودم" دیگری گفت "تا دیروز هوادار مجاهدین بودم ولی از حالا به بعد مواضع اپورتونیستی سازمان را افشا می‌کنم" . . .

در ادامه بحث در حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر چون حاضرین باید محوطه کوی دانشگاه را ریز (سینه) را ترک میکردند قرار شد که در ناله گفتگوها در مکان دیگری در همان حوالی ادامه یابد که مسئولین محاهدین از حضور در محل تعیین شد با امتناع ورزید و گفتگوها بدون حضور آنان ادامه یافت. و خانم مینا ریعی (همسر آقای پرویز یعقوبی) که از قبل برای صحبت کردن وقت گرفته بود در سخنان خویش را آغاز کرد و گفتند: "در این بیانیه تمام دستاوردهای سازمان و تمام تصمیمات مهم گرفته شده در این امر جوی آمد است، رجوعی رهبر یا منازعه نداشته مجاهدین بلکه جنبش در مکرراتیک خلق معرفی شده است." ایشان همچنین اضافه نمودند که در بحث امر و زنگته شد که سعید رجوی و مریم عضد انلو قرار است در ۳۰ خرداد بایکدی یگر از و اج نمایند، پس چگونه است که مریم عضد انلو قبل از از و اج با سعید رجوی به مریم رجوی تغییر نام داده است، کلاهویتیز در سازمان هویت شوهرش شده است و با هر از و اج فامیلش عوض میشود. ایشان افزودند "در این اطلاعیه یک دروغ کتبی ذکر شده است، در اطلاعیه از قول سعید محسن به عباس آوری گفته شده است که "سلام مریم سعید برسان و به او بگو که مسئولیت تو خیلی سنگین شده است و تنها فردی هستی که از کمیته مرکزی باقی ماندی و . . . در حالیکه در مجاهدین ۲۰۷- آمد است که در آن زمان غیر از سعید رجوی بهمن بازگانی و رضاشاهی هم از کادرها باقی ماندند. خانم مینا ریعی سپس افزودند که "این اطلاعیه‌ها آوردن این همه نقل قول از کسانی که خود را دست آموز و شاگرد رجوی میدانند سعی در رهبری و یکتاتوری رجوی را که بعد از کنگر مه زیر علامت سوال رفته، تضمین کند. ایشان همچنین گفتند: "مسئله مهمی که مرا وادار

میکند که این حرفها را بنام این است که آنها پشت اید طولی رفته‌اند بیعت غلط را به نام بیعت پیغمبر بیان میکنند اگر این سنت پیغمبر است چرا فقط برای ۲ نفر محاسن است؟ در حالیکه وقتی پیغمبر یک سنتی را می شکست برای همه می شکست. این عمل یک بیعت غلط است، به نام اسلام کثیف ترین کارها و بدترین بیعتها را می کنند و بعد هم میگویند که بایه های فکری آنقدر ضعیف است که جوابها ایشان نمیتواند ما را قانع کند. من در اینجا اعلام مینمایم که این عمل به هیچ وجه باید طولی، گذشته و شهادت ای سازمان مجاهدین خلق بستگی ندارد."

پس از صحبت های خانم مینا یعقوبی یکی از یگرا هواداران مجاهدین که این اطلاعیه را قبول نداشت صحبت کرد و چنین گفت "پاسخ مشخص به مسئله مشخص این چیزی است که اپورتونیستها از آن طفره میروند من حتی بایک دید خوش بینانه این مسئله نگاه کرد و میافرض اینکه تمام حرفهای که در اطلاعیه آمده است درست باشد و سخنان خود را شروع میکنم. در ابتدا باید دید که این عمل چه رابطه‌ای با انقلاب دارد، این حرکت شاید بتواند یک مشکل تشکیلاتی را حل کرد و مصروف مجاهدین را فشرده کند (با فرض خودشان) ولی باید گفت که هر مسئله‌ای که مسائل تشکیلاتی مجاهدین را حل کرد نمیتواند مسائل انقلاب را حل نماید شاید این کار درون مجاهدین را مستحکم کند ولی در چه جهت؟ در جهت روابط غیرد موکراتیک ایجاد یک هرم قدرت که تمام تصمیمات از بالا گرفته میشود. ایشان اضافه نمودند: "در این اطلاعیه آمده بود که ما با این عمل رسوبات ارتجاعی را زدودیم، این حرف یعنی چه؟ این رسوبات ارتجاعی چه بود، کتاب و نمونه‌ها

معرفی کتاب

اخیرا کتاب "ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران" بقلم آقای احمد رناسی که در اسفند ماه ۶۳ در ریاریس چاپ شده است، برای ما ارسال گردید. نویسنده محترم پس از بررسی تاریخچه کشف نفت و نقش استعماری دولت انگلستان در بهره برداری و فارت منابع ملی ایران در اوایل قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، به مبارزات و کوششهای خستگی ناپذیر که درصد قابل ملاحظه‌ای از حقوق حقه و شرف ملی ایران میبرد از دست آقای احمد رناسی سپس با اشاره به دوران رضاشاه، نیروهای سیاسی در ایران را بطور کلی به سه دسته تقسیم کرده است:

- ۱- عناصر و سازمانهای وابسته به شوروی
- ۲- گروهها و افراد وابسته به کشورهای سرمایه داری غرب چون انگلیس و آمریکا
- ۳- نیروها و عناصر ملی و مستقل. سپس با ارائه یک سری مدارک و شواهد مستند به بررسی موضوع گیریهای آنان میپردازد و مینویسد: "که بهر حال که درصدی از اموال را انتخاب کرد و آن اتکا به مردم موعود وابستگی به اردوگاههای بین المللی بود... آنچه و آگاه بود و به آن می اندیشید، نه فقط در زندگی نشان داد، و مطالعه مختصر زندگی او می رساند که نوشته، گفته و عملش یکی بود." نویسنده بانگارش را روان و ساده به مقایسه اندیشه و اعمال مصدق و احزاب و نیروهای وابسته میبرد از نتیجه



"تنها گناه و گناهی بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت را ملی کردیم و مساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیمترین امپراطوری جهان را از این ملکت برچیدیم... حیات من و مال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سرفرازی ملیونها ایرانی و مسلهای متوالی این ملت کوچکترین ارزشی ندارد و از آنچه پیش آورد ماند هیچ تاسف ندارم و یقین دارم وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده‌ام. من به حسن و عیاشی بینم که این نهال برومند در خلال تمام شقت های که امروز گریبان همرا گرفته به ثمر رسیده و خواهد رسید. عمر من و شما و هر کس چند صباحی در بیازود به میان می رسد، ولی آنچه می ماند حیات و آزادی یک ملت مظلوم و مستبد شده است." (از صفحه ۱۰ کتاب)

(قسمتی از سخنان دکتر مصدق در دادگاه نظامی)

از تشخیص موقعیت استراتژیکی ایران فوق العاده عمیق و صحیح بود. او پیش میدانست که ایران با کشوری چون اتحاد شوروی هم مرز است و آمریکا و انگلیس نیز نمیتوانند بی تفاوت نسبت به وضع داخلی ایران و خلیج فارس باشند. بنابراین مصدق تنها با اتخاذ سیاستهای واقع بینانه و صحیح توانست استقلال و منافع ملی ایران را حفظ کرد و با وجود خالت هر سه کشور را مورد داخلی ایران جلوگیری کند. مصدق سیاست را "سیاست موازنه منق" نامید آقای احمد رناسی مینویسد: او (مصدق) معتقد بود چنانچه سیاست موازنه منق مراعات و نیال شود، بنا بر این اتخاذ چنین سیاستی، علاوه بر اینکه میتوان از ادان هر گونه امتیازی به کشورهای سرمایه داری غرب خودداری نمود. میتوان جلوی خواستهای غیر اصولی شوروی را نیز گرفت و بنابراین اتخاذ این راه روشن و صحیح، مطالبه نمود امتیازهای راکه، دولت های وابسته قبلی در اشرفیات و وارد و گاه یعنی انگلیس و روسیه ادانند. این سیاست استقلال طلبانه، روشن و صحیح تضاد آشکار داشت نه فقط با وابستگان به سیاستهای کشورهای غرب که به سیاست یک طرفه مثبت روی آورد بودند و معتقد و علاقمند بودند که امتیازاتی "میایست به کشورهای سرمایه داری غرب بدهند... بلکه با سیاست موازنه مثبت حزب تودهنیز بقیه ر صفحه ۲۱

گیری میکند که چگونه مصدق برخلاف تمام توطئهها و تهمتها با حمایت یکپارچه مردم ایران و استفاده از تضاد های بین المللی توانست حقوق پایمال شده ملت را با هوشیاری و شهامت از استعمار پیرایستاند و صنعت نفت را ملی کند. البته همان گونه که در کتاب اشاره شد درک مصدق

شعر و ادب

آن زمان که بنهادم سر بپای آزادی
تا مگر بدست آرم دامن وصالش را
با عوامل تکفیر صفا ارتجاعی باز
در محیط طوفان زای ماهرانه در جنگست
شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرا ر
دامن محبت را اگر کنی ز خون رنگین
فرخی ز جان و دل میکند در این محفل
دست خود ز جان شستم زیرای آزادی
میدوم بپای سر در قفای آزادی
حمله میکند دایم بر بنای آزادی
ناخدای استبداد با خدای آزادی
چون بقای خود ببیند در قفای آزادی
می توان ترا گفتن پیشوای آزادی
دل نثار استقلال ، جان فدای آزادی
"فرخی یزدی"

* لایحه یادآوری است که پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی بر مبنای غزل فسوق
آهنگی ساخته شد که از روی رژیم پخش میشود و در آن بر بنا مریزان و سسولان مربوطه
آگاهانه بیتهای سوم و پنجم غزل بالا را حذف کرد ماند .

بیت سنگی

به سوزنی ز ره شکوه گفت بیره هنی
همیشه کار تو، سوراخ کردن دلهاست
بگفت، گروهی رفتار من نداری دوست
وگرنه، بی سبب از دست من چه مینالی
اگر به خار و خس فتنه ای رسد در دشت
زمن چگونه ترا پاره گشت پهل و دل
چهره جها که بر پهر خرقه د وختنی
بدان هوس کتن این و آن بیماراییم
شعار من، ز بس آزادی و نیکدلی
همیشه د وختنم کار و خویش عسر و آسانم
بباید آنکه شود بزم زنگی روشن
هر آن قماش، که از سوزنی جفا نکشد
میان صورت و معنی، همی تفاوتهاست
هزار نکته ز باران و سرف میگردد
هم از تحمل گرما و قرنها سختی است
اگر کبر به بدخشی و عقیق درین است

"پروین اعتصامی"

حکایتی از گلستان سعدی

درویشی مستجاب الدعوه در بغداد
پدید آمد حجاج بن یوسف را خیر کرد نسند
بخواندش و گفت دعای خیری بر من بکن گفت
خدایا جانم بستان گفت از سپهر خدای این
چه دعاست گفت دعای خیر است ترا و جمله
مسلمانان را .
ای زبردست زبردست آزار
گرم تاکی بماند این بازار
بچه کار آیدت جهان داری
مردنت به که مردم آزاری

ایران

در ماهی که گذشت

اتحاد شوروی

خواهان پایان جنگ است

در تاریخ ۱۶ فروردین ۶۴ (۵ آوریل ۸۵) کاظم پور ارد بیلی معاون امور بین المللی و اقتصادی وزارت امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی در راس هیأتی سیاسی و اقتصادی وارد مسکو شد پس از ورود با آندره گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار آقای گرومیکو در مورد جنگ ایران و عراق گفت: «شوروی خواهان پایان یافتن هر چه زودتر جنگ بین آند و کشور است». و ادامه داد که اختلافات در کشور باید از طریق راههای سیاسی حل گردند که در بردارند «منافع ایران و عراق و صلح جهانی میباشد». آقای پور ارد بیلی پس از تسلیب پیغام ملی اکبر لاریجانی وزیر امور خارجه رژیم به آقای گرومیکو، شرایط ایران برای خاتمه جنگ را برای وی بازگفت. بر طبق خبر مندرج در روزنامه تاس، اتحاد جماهیر شوروی اتهامات را در یو اس ای آمریکا مبنی بر اینکه مباران شهرهای ایران بوسیله عراق با توافق شوروی انجام میگردد، را کاملاً بی پایه دانست و تأمر داد خوانند. لاریجانی گفت که دولت شوروی در مورد جنگ ایران و عراق خود را بی طرف میدانند. طبق گزارش مطبوعات رژیم این هیأت در طی سفر خود، همچنین با مقامات اقتصادی شوروی پیرامون گسترش همکاریها اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور بحث و مذاکره پرداخت. از جمله آنها همکاریها

وسیعتر و آغاز پروژههای جدید در زمینهها مختلف مانند ذوب فلزات، نیرو، سد سازی توسعه شبکه ارتباطات بخصوص راههای ارتباطی بین دو کشور، ایجاد کشتیرانی در دریای خزر را مورد بررسی قرار دادند و در باره امکان همکاری در زمینه نفت و گاز مذاکره پرداختند. در ضمن دولت شوروی آمادگی خود در مورد احداث متروی تهران را اعلام نمود. همچنین بر طبق توافق حاصله کمیسیون مقدماتی مشترکی در نیمه اول خرداد ماه امسال، مسائل مورد علاقه طرفین را مطالعه نمود و نتایج آن در اجلاس اصلی مشترکی که در سطح وزیران تشکیل خواهد شد، مورد توافق قرار خواهد گرفت. تاکنون ۱۰۰ پروژه مشترک با کمک اتحاد شوروی در ایران ساخته شده است و همکاری برای تکمیل پروژههای نیمه تمام نیروگاههای رامین و اصفهان ادامه دارد.

پیشنهاد واگذاری وام به نیکاراگوئه

هیأت دولت رژیم جمهوری اسلامی در روز ۱۸ فروردین ۶۴ واگذاری وام بدون بهره طولانی مدت را به نیکاراگوئه برای بردن به مجلس تصویب کرد. اعطای این وام در حقیقت کمک به وضع نابسامان کشور نیکاراگوئه خواهد بود که با بحران مالی و کمبود ذخایر ارزی روبروست. این امر در حالی است که رژیم اسلامی خود نیز با مشکلات روزافزون اقتصادی دست بگریبان میباشد. به طاعت بحران مالی در نیکاراگوئه قیمتتها افزایش سرسام آوری داشته است بطوریکه بعد از

افزایش ۳۰۰٪ نرخ مایحتاج اولیه که در دو ماه گذشته صورت گرفت، اخیراً نرخ ارتباط بین المللی بیش از ۱۰۰٪، مواد سوختی بیش از ۱۵۰٪، حمل و نقل بیش از ۲۰۰٪ و همچنین نرخ برق به مقدار زیادی بالا رفته است. بر طبق گزارش خبرگزاریها این افزایش قیمت در آئیند نزدیک شامل آب آشامیدنی نیز خواهد شد.

لازمه یادآوری است که دولت نیکاراگوئه قبلاً نفت مورد احتیاج خود را از مکزیک خریداری مینمود. اما به علت کمبود ذخایر ارزی قادر به پرداخت هزینههای آن نبود. بدین سبب دولت مکزیک در سال ۸۴ مقدار نفت صادراتی خود را به نیکاراگوئه کاهش داد و در همان سال دولت شوروی ۱۰۰٪ بقیه مایحتاج سوختی آن کشور را تأمین نمود. در ماه ژانویه سال ۸۵ سفری که حسین موسوی از نیکاراگوئه به عمل آورد بر طبق قرارداد منعقد ایران در ازای تحویل چند رقم خوراکی به آن کشور نفت صادر می نماید. بنا بر گزارش برخی از منابع خارجی، علاوه بر این مقدار، رژیم ایران مقداری نفت نیز مجاناً را اختیار نیکاراگوئه قرار میدهد.

اجلاس وزرای خارجه عرب در تونس

بدنیال گسترش یافتن جنگ ایران و عراق و امکان توسعه جنگ به کل منطقه تلاشها وسیعی در سطح بین المللی برای پایان دادن به جنگ صورت گرفت. در ولتهای عرب منطقه که خطر گسترش

بقیه ایران، بر ماهی که...

این جنگ را به کشورهای خود در ریافته اند. در سیزدهمین اجلاس وزرای خارجه عرب که در روز دوشنبه ۷ فروردین ۶۴ در تونس تشکیل شد، تمام هم خود را برای پایان دادن به جنگ بکار برده و با تصویب قطعنامه‌های همبستگی کامل خود را در دفاع از حقانیت حاکمیت عراق و استقلال و تمامیت ارضی اش ابراز داشتند. در این طرح آمده است که اگر موجودیت کشور عراق به خطر افتد کشورهای عربی از هیچگونه کمک مستقیمی به عراق دریغ نخواهند کرد. در همین حال به نقل از یونایتد پرس سوریه و لیبی که همواره از تهران در برابر بغداد حمایت می نمایند مخالفت خود را با همبستگی کامل اعراب و رژیم عراق در جنگ علیه ایران اعلام نمودند. فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه طی کنفرانسی یاد آور شد که جنگ توسط عراق به ایران تحمیل شد و رژیم عراق را مسئول تشدید کشمکشهای اخیر دانست. وی در خلال جلسات اجلاس به خبرنگاران گفت "سوریه هنوز از ایران حمایت میکند" همچنین قذافی نیز در یکی از سخنرانیهای خود در روز ۸ فروردین از خلبانهای عراق خواست که به لبنان، سوریه و لیبی پناهنده شدند و افراخوانند ارتش عراق برای شورش بر علیه صدامها را دیگر حمایت خود را از رژیم جمهوری اسلامی اعلام نمود.

بهبود روابط ایران و فرانسه

در چند ماه اخیر بعد از انتصاب آقای رولان در و ما به سمت وزیر امور خارجه فرانسه، دولت این کشور در طی پیامهایی تمایل خود را برای ایجاد روابط نزدیک با رژیم ایران اعلام نمود. این مسئله با

مذاکراتی که در تاریخ دهم فروردین ماه امسال بین کاردار سفارت فرانسه آقای ژان برن در ایران با هاشمی رفسنجانی صورت گرفت، قوت بیشتری پیدا کرد. در این مذاکره علاوه بر اختلاف ایند و کشور بر سر حمایت فرانسه از عراق در جنگ ایران و عراق، درباره وجود مخالفین رژیم اسلامی پناهنده در فرانسه و وامیک میلیارد دلاری ایران به فرانسه در زمان شاه صحبت شد. کاردار سفارت فرانسه تاکید نمود که دولت متبوع وی سعی میکند در حالت مخالفین رژیم را حتی الا مکان محدود نماید و همچنین تمایل آن کشور را نسبت به حل سریع و امنکنور ابراز نمود. هاشمی رفسنجانی نیز اعمال فرانسه را نسبت به رژیم ایران "بدتر از آمریکا" دانست و علت ایجاد بهبود روابط با آن کشور را "صرفاً" کمک فرانسه به خمینی در مدت زمان اقامت وی در این کشور ذکر کرد و ادامه داد موقعی این مسئله تحقق پیدا میکند که دولت فرانسه مانند کشورهای دیگر غربی از جمله آلمان و انگلستان جانب "احتیاط" را مراعات کند و عملاً در رسایتش نسبت به ایران تغییراتی بوجود آورد.

دولت فرانسه در مدت جنگ ایران و عراق بشدت از عراق حمایت نمود و تاکنون میلیارد ها دلار در آن کشور سرمایه گذاری کرد. البته زمانی نمایندگان در کشور به مذاکره نشینند که مدتی پیش فرانسه بر د اختیار هیهای عراق را به تعویق انداخته

است و در این مدت نیز نشانه‌های از اینکه فرانسه از مواضع سیاسی خود در این جنگ عدول نمود باشد، چشم نمی خورد. طبق اطلاعات منابع خارجی اخیر عراق برای خرید ۶۰ فرزند هواپیمای میراژ ۵۰۰۰۰۰۰ با فرانسه متوافق رسید. است و همچنین قصد دارد تعدادی موشکهای اگزوست جدید را از آن کشور خریداری نماید. فرانسه

علاوه بر عراق به حمایت سیاسی و اقتصادی از اغلب کشورهای عرب منطقه میبرد. از آن مناطق به سرمایه گذاریهای دست زد. در صورت گسترش جنگ به تمام منطقه و ایجاد اغتشاش و آشوب که هدف رژیم ایران میباشد. دولت فرانسه و هم پیمانان او نه تنها از لحاظ اقتصادی لطمه فراوانی می بیند، بلکه موقعیت و حیات سیاسی آنان نیز در معرض خطر قرار میگیرد. بنابراین رژیم ایران و دولت فرانسه در شرایطی که از نظر سیاسی در وجهه مخالف قرار دارند، برای بهبود روابط بین خود دست به اقداماتی میزنند. هدف رژیم ایران از ایجاد این روابط اینست که فرانسه را حمایت سیاسی عراق و سیاستی عراق دست کشید و با آنرا کاهش دهد و همچنین از فعالیت اپوزیسیون جلوگیری نماید. از جانب دیگر دولت فرانسه نیز کوشش میکند که اگر موفق گردد، ایران را از نظر سیاسی تحت فشار قرار دهد و از سیاستهای مغرب او در جهت اغتشاش و آشوب کشیدن منطقه مانع نماید.

البته سیر حوادث ورود اد های آینده روشن مینماید که تا چه اندازه دولت فرانسه از مواضع سیاسی خود در جنگ ایران و عراق عدول نمود و تاثیر برقراری روابط بین در کشور بر وضع زندگی و فعالیت مخالفین رژیم خمینی در فرانسه چه صورت در خواهد آمد.

اشک تمساح رژیم

بد نبال ویرانی قسمتی از مسجد جامع اصفهان در اثر بمبارانهای هوایی دولت عراق، رژیم جمهوری اسلامی طی شکوائیه‌ای به سازمان یونسکو، از این مسئله ابراز "تاسف" کرد. این مسجد یکی از بزرگترین شاهکارهای معماری ایران میباشد که از

بقیه از صفحه ۶

درباره ماهیت ادغام...

است، ایشان را متهم میکند که مورد مهر و علاقه انگلیس هاست و با یکسلسله مغالطات سعی کرد سببی از نفرت بی پایان مردم به انگلیسیها را متوجه آیت الله خمینی کند. . . این استدلال بوج را که چون راد یولند ن آیت الهی ر آیت الله خواند هر هبیری روحانی از رهبران شیعیان را رهبر شیعیان نامید پس آیت الله گوینا انگلیسی است (!) نمتنها نمی پسندیم" بلکه آنها هم مانند اطلاعیه سازمان امنیت "ناشی از اشتباه" خواند نیهامید انیم شخصیت آیت الله خمینی را اطلاعیه سازمان امنیت ود یهه گویی راد یولند ن بوجود نیاورد هاست بلکه این شخصیت ر آیت الله خمینی قطع نظرا از مقام روحانی خود از راه مبارزه مستمر علیه حکومت جبار و قانون شکن ایران و از راه دفاع از استقلال و آزادی کشور در مقابل اربابان لیره و دلا رومزدوران آنها کسب کرد هاست. " (۳) این طرفداری همه جانبه و شدید حزب تود ه در مستقل جلوه داد آیت الله خمینی و طالقانی در حرد ود ۲۲ سال پیش بسرای چیست ؟ آیا هیچ گروه ، سازمان ویا حزبی را میتوانی پیدا کنیم که در طی ۲۲ سال گذشته این درجه و بطور مستمر از خمینی و سایر آخوند های مرتجع طرفداری کرد هباشد ؟ " خوشبختانه " خوست که ما امروز با واقعیت اعمال و جنایات غیر قابل انکار و گسترده رژیم فاشیستی مذهبی خمینی روبرو هستیم بطوریکه حتی گروه کبیری از رهبران حزب تود ه نیز در زندانهای رژیم اسلامی بسر میبرند و به " تجزیه و تحلیل " اعمال و " خطاهای " خود در پیشگاه همان آخوند هائی که تا این درجه از آنان حمایت کردند - میبرد ازند. در رغیر اینصورت ممکن بود آقایان پرتجربه رهبری حزب تنسوده آسمان وریسمان را بهیچبیا فند ، هزارویک دلیل آوردن تا ثابت کنند که بین " اسلام انقلابی " آقای خمینی و " سوسیالیسم علمی " وجوه مشترک بسیاری وجود دارد . آنان در ریانزد هم خرد اد ۱۳۴۳ در مقاله دیگری بنام " روی سخن ما با پیشوایان دینسی و روحانی است " مینویسند : . . آیت الله خمینی ، مستغنی از توصیف است . . . مرد ما زهمه روحانیون بخصوص از پیشوایان میرز مذهبی انتظار دارند که مانند آیت الله خمینی ، آیت الله میلانی ، آیت الله طالقانی و آیت الله شریعتمداری و امثال آنها در جهاد مقدس و عمومی آزاد یخواهانه و استقلال طلبانه مردم لیرن شرکت کنند و نیروی معنوی خود را در راه پیروزی این جهاد یکسار اندازند. " (۴)

بدین ترتیب حزب تود ه رهبری پیشوایان مذهبی را از همان ابتدا امیذیرد و برای اولین بار در تاریخ ایران یک سازمان " مارکسیستی " پیدا میشود که رهبری یک مشت آخوند نادان و

عقب مانده را با جان و دل قبول میکند . اما حقیقتی است که حزب تود ه ایران در ای تجربه طولانی در زمینه ایدئولوژیکی ، تشکیلاتی ، سیاسی و . . . است و متاسفانه در نبود یک جریان صحیح علمی ، آزاد یخواهانه و استقلال طلبانه ، توانست تاثیر فراوان بر بسیاری از روشنفکران ، نیروهای چپ ، نیروهای ملی متزلزل و جوانان بگذارد . " اسلام انقلابی و اسلام ارتجاعی " و طبقاتی دیدن مذهب از همان اوان بوسیله تفکوریسمینهای حزب تود ه تریبی مطرح گردید تا بتواند غذای ایدئولوژیکی کافی را به آخوند ها ، مجاهدین خلق علی شریعتی و سایر افراد و نیروهای که آمادگی پذیرفتن این طرز تفکر را داشتند ، بدهد و ستون فقرات ایدئولوژیکی اسلام " طبقاتی " و اسلام علمی و معاویه محسین ویزید ریخته شود تا با مذاق مردم ستندید ه و نا آگاهان ایران قرن بیستم سازگار گردد . آیا نتیجه طبیعی این کوششهای غیر منطقی و غلط جز " اینست که رژیم جمهوری اسلامی بر کشور ما حاکم گردد و آزاد ی و د مکرسی محو ، نابود ، خون هزاران تن از جوانان بی تجربه و بیرومند ایران بر زمین ریخته و ایران بزندان بزرگی تبدیل شود ! آیا جز اینست که اکنون عفریت مرگ ، جنگ ، آوارگی ، تیره روزی ، فقر ، عقب ماندگی و جهالت برای ایران مستولی است و نونها لان و نوجوانان بی گنا ه گروه قربانی میشوند تا مشتی جنایتکار تحت لوای " اسلام انقلابی " بر مردم ستندید ه ایران حکومت کنند ؟ حزب تود ه ایران آیا میتواند از کنار ایستن مسائلی که خود در بوجود آوردنش نقش اصلی را ایفا کرد هبارامی بگذرد ؟ آیا حزب تود ه ایران فراموش نمود ه که در باره آزادی و د مکرسی در رضین ر ج ۱۰ ، چه مواضعی را انتخاب نمود ه و چگونه سنگ انقلاب اسلامی خمینی را به سینه میزد ؟ حزب تود ه ایران با استناد به گفته مشهور خمینی در باره " د ربار ه " و " ولت اسلامی یک د ولت د مکراتیک به معنای واقعی است . " (۵) و " همه گروه ها در بیان عقاید خود آزادند ، ولکن خیانت را اجازه نمید هیم " (۶) مینویسد : " این صحیحترین و منطقی ترین معیار برای مرز بندی میان گروههای پشتیبان انقلاب و گروههای ضد انقلابی است . اما همواره برای این باور بود ه اند که برای گروه اول باید آزادی فعالیت را تامین کرد و گروه دوم را باید سرکوب کرد ، زیرا که فعالیت آن به زیان انقلاب است . " (۷) آیا این " صحیحترین و منطقی ترین معیار " بکجا ختم شد و چه ارمانی برای ملت ایران آورد ؟ البته اکنون که حزب تود ه ایران در ظاهر امر به صفا اپوزیسیون ر ج ۱۰ پیوسته و در کلام گاه گاهی رهبران رژیم را مورد شماتت ها و انتقادها در ستانه قرار میدهد و " خدا میداند " که در ریس پرده جبرنامه ها در یگری در سر دارد ، آیا موضع گیریهای خود را تا قبل از دستگیری



بقیه درباره ماهیت ادغام...

رهبران حزب تود ه فراموش نمود ه است ؟ حزب تود ه ایران در پیام تبریک خود به "امام خمینی" بمناسبت پانزد ه همین سده هجری این چنین خمینی را خطاب قرار مید هد : "به محضر محترم آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر عالیقدر انقلاب ایران : حزب تود ه ایران با احترام و احساس صمیمانه آغا زین نزد همین سده هجری را بشما ، بعنوان بزرگترین شخصیت معاصر د نیای اسلام و رهبر انقلاب بزرگ مرد میهنمان تهنیت میگوید . اینکه انقلاب ایران د آستانه این سده مهنمود اری از احیاء اصول انقلابی اسلام بدل شده ، خود رویدادی است خجسته و مزد بخش برای همه هواداران عدالت اجتماعی و رهائی تود ه های محروم د ایران و جهان . . . نقش موثر و تعیین کننده شخص شما چشمگیر و انکارناپذیر است . حزب تود ه ایران . . . از همان آغاز به نقش والا و ارزنده شما در این مبارزات پی برد و با شما همگام گردید " (۸)

میگویند "بارکج بمنزل نمیرسد" رهبران حزب تود ه تنها بیش از ۴ سال است که بزرگترین خیانتها را نسبت به ملت ایران اعمال داشته اند ، بلکه به اتحاد شوروی به کشوری که سالیان د راز به آنان پناه داد و حمایتشان کرد بود نیز پشت نمودند . هنگامی که آنان بدست ر . ج . ا . دستگیر شدند ، یک تن از آنان مردانه د مقابل رژیم اسلای نایستاد و از موضع گیریه و اعتقاد اتوافکار خود دفاع نکرد ، یک تن از آنان - مانند هزاران تن از آزادیخواهان ایران که در زیر شکنجه های قرون وسطائی و شدید رژیم تسلیم شده و تن بمرگ دادند و اعتقاد اتوافکار خود را زیر پانهادند - مقاومت نمود . همگی رام و سر بریزید و ن استثناء د تمام گفته های خود شدید ترین حملات را نسبت به د ولت شوروی ابراز کردند و از اسلام خمینی د فاع نمودند د ر طی نیم قرن اخیر د ایران سابقه نداشت که رهبران یک حزب براد را این چنین بر علیه دولت شوروی به تبلیغ ببرد ازند . آقای نورالدین کیانوری د اعترافات خود میگوید : " من امروز نظرم اینست که د ولت شوروی یک قدرت بزرگ جهانی است ، قدرتی است سلطه گروا بین سلطه خود ش را د مبارزه با سلطه گران د یگر به اشکال مختلف عمل میکند ، د رجائاتی با حمایت از جنبشهای رهائی بخش ، د مواردی بصورت باز یچه قرار دادن احزای مثل ما و د مواقعی نیز مثل افغانستان با د خالت نظامی و سرکوب نیروهای مردمی د مقابل این وابستگی (۹) و آقای به آقین میگویند : " بطور کلی بعد از پیروزی بلا معارضی انقلاب اسلامی ، مارکسیسم د ایران به بن بست رسید و هیچگونه جایی د ر زندگی سیاسی ایران نداد و نمیتواند د اشتها شد . حرف از بن بست مارکسیسم د ایران است . چرا ؟ علتش قبل از

همه وجود خود اسلام ، اسلام انقلابی است که مارکسیسم د رهبرابر تئوری منسجم و یذیرفته شد ه ، از طرف تود ه های میلیونی چیزی برای ارائه ندارد . . . از این گذشته مسئله وابستگی جریانهای چپ و مخصوص حزب به ابر قدرت شرق است که این وابستگی منجر به اعمال و خیانتها و توطئه های شد ه که تود ه مردم و مستضعفان بر آن آگاهی دارند . مسئله وابستگی بسی قید و شرط حزب تود ه نسبت به سیاست شوروی است که آنرا بصورت یک آلت مطیع ، فرمانبرداریه سیاست شوروی و د خالت های کشورهای د ایران بوسیله این حزب (تود ه) می خواهد بکند و کرد ه است . . . (۱۰) و از آقای احسان طبری که د رحال نوشتن تزاها و کتابی قطور د ر د مارکسیسم و حقانیت اسلام انقلابی هستند د یگر سخنی بیعیان نمیاوریم زیرا سخن بیشتر د این باره روح را کسل و دل را پریشان میکند . اما اکنون که د رایین باره بیایان سخن رسید ه ایم میتوان پرسید که از این همه تلاشهای عبث ، منفی ، ضد ایرانی و ضد آزادی خواهی چه نتیجه ای میتوان گرفت ؟ شاید امید به تغییر د رمورد حزب تود ه ایران بعد از این همه ریا و خیانت د شرایط کنونی بی مورد غیر منطقی و اید ه آلیستی باشد . بنابراین نمیتوان بیهود ه آرزو کرد که باقی رهبران و اعضا د ر داخل و خارج از کشور از گذشته تلخ عبرت بگیرند و به نتیجه گیری و انتقاد از "خطاهای" خود بپردازند ! اما سایر روشنفکرانی که "تود های" نبود ه و اگر بود ه اند اکنون د یگر تود های نیستند ، ولی همواره کم و بیش زیر نفوذ اید هولوژیکی ، سیاسی و تشکیلاتی و تهدیداتی آنان قرار داشتند چطور ؟ آن روشنفکرانی که د را وایل روی کار آمدن رژیم اسلای به حمایت از خمینی و اسلام انقلابی برداختند و با آگاهی از تاریخ نقش دین در سیاست و د همگونی بین مذ هب و سوسیالیسم ، بدون مسئولیت د ایجاد رژیم سهیم شدند چطور ؟ آیا امثال این روشنفکران را در همه جانی بینیم . گاهی چنان سخن میگویند که گویا هیچ مسئله ای رخ نداد و موقول معروف دست پیش گرفته که عقب نیفتند آیا این برخورد صحیح است ؟ برونند ه هم روشنفکران د ر نزد ملت ایران محفوظ است ، آیا بهترینست که هر چه زود تر نادیر نشد ه ، دست از "پنهان کاری" برداشته و مانند کبکی که سر میمان برف فرورده ، خود را فریب ندهند ؟ کتافات و لکه های که - همه مردم نیز میداند ولی ممکن است بر زبان نیاروند - به د امانشان نشست بزد آیند و هر چه زود تر از مواضع غلط و اشتباه آمیز خود انتقاد کنند . این تنها راه است . برای آنان هنوز دیر نیست باید از سرنوشت اسفناک رهبران حزب تود ه و سایر کسانی که ملت ایران پشت کردند ، عبرت گرفت و هر چه زود تر اقدام کرد . سرنوشت رقت

نگاهی بر

مطبوعات و اعلامیه‌های

خارج از کشور

● سخنی با جبهه ملی ایران در اروپا

در آخرین شماره ۳ ایران آزاد " نشریه جبهه ملی ایران در اروپا (شماره ۳۸ ، فروردین اردیبهشت ۶۴) اعلامیه‌ای در رابطه با جنگ ایران و عراق درج شده است. در ردیل نظر خوانندگان را به قسمت‌های از این اعلامیه جلب می‌نمائیم:

"جنگ ایران و عراق در رینجمن سال تداوم خود به صحنه کشتار کودگان و زنان و غیر نظامیان ایران و عراق توسط رژیم صدام و خمینی بدل گشته است... سیاست رژیم بعث عراق از حمله گسترده به شهرهای ایران و معیاران مناطق با علم به ضعف محصول قوای نظامی ایران در جلوگیری از حملات هوایی آن کشور میتواند فشار روانی به رژیم تهران برای کشتن آن به پای میز مذاکره قلمداد شود. مسئولین حکومت اسلامی فرصت کافی داشتند که پس از اجابت کلیه اهداف و روزنه‌های جنگ تدافعی که متجاوز و نتیجه‌یثا ملت ایران و بیباکی و شهادت قوای مسلح از کشور بیرون رانده شد بود، برای جلوگیری از ادامه خونریزی و قتل عام مردم موخرایی بیشتر شهرها به صلحی شرافتمندانه دست آزند. اما رژیم خمینی نه یک رژیم مسئول و نه لیسوز به حال و روز و سرنوشت مردم و کشور است و نه علاقه‌ای به ترک مخاصمه‌های ملت عراق دارد. زیرا ایادی این رژیم، جنگ را با همه پیامدهای نا هنجاری که برای مردم این مرز و بوم به همراه داشته و دارد بسود خود دانسته و با همه قوانین متاثره شده‌اند.

نقش حساس جنگ در رژیم خمینی به حدی است که خفاش پیر از جنگ بعنوان

قلب جمهوری اسلامی نام میرد و ادامه حیات ننگین حکومت ملایان را در رطپیدن آن قلب یعنی به دستپ در آن و به روی مین فرستادن هزاران جوان این مملکت و ویرانی شهرها و آواره کردن میلیونها انسان از دیار خویش میجوید... (تاکید از ماست) در پایان اعلامیه میخوانیم:

"امروز شاید زمان آن فرارسید باشد که ملت ایران خود را سا ابتکار عمل را در دست گیرد و سرنوشت جنگ رژیم اسلامی را یکسره نماید. ملت ایران با پوست و گوشت خود تجربه کرد است که با وجود خمینی دستپایی به صلح سرایی بیش نیست و این جنگ تنها نابودی ملک و ملت ایران را خواهد داشت. از طرف دیگر نمیتوان در خانه در انتظار مرگ نشست و شاهد درخسون غلطیدن کودگان شد. پس شوریدن بر حکام ایرانی و پیچیدن طومار حکومت آنها تنها راه ممکن و معقول برای دستیابی به صلح و امنیت است."

اعلامیه فوق حاوی چند نکته درخور توجه است. از یکطرف در آن "جنگ تدافعی که متجاوز و نتیجه‌یثا ملت ایران و بیباکی و شهادت قوای مسلح" توسط آن از کشور بیرون رانده شد، مورد تأکید قرار میگیرد و از فرصت کافی که هربران رژیم برای انعقاد صلح شرافتمندانه داشته‌اند ولی آنرا از دست داد هاند، سخن گفته میشود و از طرف دیگر رستی اضافه مینماید که به علت عدم مسئولیت و لیسوزی رژیم در قبال سرنوشت مردم موحد و علاقه‌مترک مخاصمه با ملت عراق، ایادی این رژیم جنگ را... بسود خود دانسته و با همه قوانین متاثره

شده‌اند. و در دنباله مطلب بروشنی و صراحت از نقش حساس جنگ بعنوان "قلب جمهوری اسلامی" نام برد می‌شود که آثار امحیات رژیم قیقا بستگی به تطبیدن آن قلب... دارد.

در استان "جبهه ملی ایران در اروپا" که از نقش رژیم وابسته جمهوری اسلامی در ادامه جنگ آگاهند، آیا فکر میکنند که در ماهیت رژیم قبل و بعد از عقب نشینی عراق تغییری بوجود آمده است که هنوز از "ایثار ملت ایران و بیباکی و شهادت قوای مسلح" سخن میرانند. آیا این جنگ، یک جنگ میهنی بود است؟ و در راس رژیم ایران، حکومتی ملی و مردمی قرار دارد که ملت و قوای مسلح باید در آن شرکت نمود و با فداکاری و جانفشانی بدفاع از مرز و بوم خود بپردازند؟

و در واقع به تشبیت و تحکیم چنین رژیم جنایتکاری برود اخته که با نابودی ارتش و ایجاد "سپاه پاسداران" و "بسیج" تنها و تنها به فکر وام و بقاء حکومت خویش بوده و در این راه از اعمال هیچ جنایتی روی گردان نبوده است؟ با وجود چنین رژیمی چگونه باید انتظار ایثار ملت و جانفشانی قسوی مسلح را داشت؟ آیا اینگونه "ایثارها" پیر بانا بودی هزاران تن از جوانان بیگناه و سربازان و افسران دلیر کشورمان نبوده است؟ و ملت ایران تا کون بهای بس سنگینی را متحمل نشده‌اند؟ مسلمانان بین قوای مسلح ایران افراد وطن پرست بسیاری وجود دارد که طی رخمیل باطنی خویش تحت نظر و فرماندهی مشتق بیوطن بکار خویش ادامه میدهند و بعلمت داشتن احساسات عمیق ملی آما د هاند که در زمان مناسب با دست گرفتن ابتکار عمل نوک اسلحه‌های خود را بسوی رژیم نشان گرفته و در هنگام قیام ملی مردم مباحتم قوا درکنسار ملت قرار بگیرند. در این امر شکی نیست. ولی تا زمانی که رژیم ضد ملی و ضد انسانی خمینی بر بقیه در صفحه ۱۷

بقیه نگاهی بر مطبوعات و . . .

سرفرست است، از تماشا شب و جانشانیهای آنان رژیم جمهوری اسلامی بهره‌براری خواهد کرد پس موضع آزاد یخواهان و وطن پرستان راستین در این میان چه باید باشد؟ و چه میتوان کرد؟ باین سوال مهم و اساسی خود با موضعگیری صحیح اخیرتان بد رستی پاسخ داد هاید و نتیجه گرفته اید که " . . . شورید بر حکام ایرانی و بیچیدن طومار حکومت آنها تنها راه ممکن و معقول برای دستیابی به صلح و امنیت است ."

امید داریم استان جنبه ملی ایران در اروپا به موضعگیری اشتباه آمیز خود در ابتدا ای ظلامیه و همچنین مواضعی که را وایل جنگ اتخاذ کرد نموده - توجه کرد و به روشن شدن مسئله کمک نمایند .

متاسفانه این امر تنها اختصاص به " جنبه ملی ایران در اروپا " نداشته و جبهی دیگر از یاران آزاد یخواه و بخشی از اپوزیسیون نیز در این مورد دارای موضعگیریهای مشابهی هستند . ما ضمن ارج نهادن به مبارزات آزاد یخواهان کلیه نیروهای ملی مبارز و موکرات ، خواهان رفع این ابهامات و برطرف شدن برخی از مواضع انحرافی موجود در مورد جنگ ایران و عراق میباشیم .

● عکس العمل مردم در مقابل جنگ

در مطبوعات مختلف خارج از کشور در مورد جنگ ایران و عراق و تحولات اخیر آن مطالب و گزارشهای بسیاری نوشته شده است . در ذیل به نمونه‌ای از عکس العمل عد های از هموطنانمان در مورد جنگ که طی اعلامیه‌ای توسط کمیته خارج از کشور " راه کارگر " در تاریخ ۱۲ / ۴ / ۸۵ بازنویس و پخش گردید ، اشاره میکنیم . در قسمتی از این اعلامیه آمده است :

" قهوه‌خانه‌های در یکی از مناطق جنوبی تهران

(عباسی) که با توفیق بسیاری از زحماتشان و کارگران ساختمانی می‌باشد در روز جمعه هوایی هواپیماهای عراق ، موجد بخشهای بسیاری بود . حاضرین در قهوه‌خانه که بیش از ۲۰ نفر بودند تمام رژیم ایران را جنگ طلب و مسبب همه ویرانیه‌ها و گشتار مردم بیگناه هر دو کشور میدانستند . سه نفر از حاضرین بدون هیچ واژه‌های آرزوی قلبی خود یعنی سرنگونی رژیم اسلامی را ابراز داشتند و . . . و نفر از آنان حملات هوایی عراق را به منزله کاتالیزوری که باعث تسریع سرنگونی رژیم خواهد شد ، مینگریستند . یک نفر نیز میگفت : " کاری که عوض داده گننداره " وقتی بغداد رو بزنند اونها هم تهران را میزنند با این تفاوت که فاصله مرز تا بغداد کمتر از فاصله مرز تا مثلا خرم‌آباد است و . . ."

و در پایان میخوانیم : " در تمامی طول بحثها تبلیغ ایده " صلح " با واکنش سلفد و تائید آمیز حاضرین مواجه شد ."

عکس العطفها و گفتگوئیهای از این قبیل چند رتهران وجه در سایر شهرستان های ایران مسلما گویای این واقعیت است که مردم میهنمان بد نیال شدت یافتن جنگ ایران و عراق که در امتنان علاوه بر جبهه‌ها به بیماران شهرها و مناطق مسکونی غیر نظامی نیز کشید شد ، بدرستی بی برد هاند که سبب اصلی اد امه این جنگ ویرانگریست رژیم جمهوری اسلامی است . بطوریکه اخیرا در اکثر نقاط ایران شاهد تظاهرات گسترده و اعتراضی بسیاری بر علیه رژیم وادامه جنگ بود ه ایم . وهما نگونه که اطلاع داریم این تظاهرات در مناطق مختلفی به کشته و مجروح شدن تعدادی و دستگیری عد زیادی از هموطنانمان منتهی گشته است . این امر موجب شد ه خشم و نفرت مردم نسبت به رهبران رژیم روز به روز بیشتر شده و در مراسم تشییع جنازه عزیزان خود و در تظاهرات اعتراضی وسیع علیه جنگ ، شعارهای " مرگ بر خمینی " و " این سنند جنایت خمینی است " ، را سرد اد ه و خواهان خاتمه جنگ و سرنگونی رژیم گردند .

● مخالفت با تسلیح اجباری

در واطلاعیه اخیر " نمایندگی " کومله " در خارج از کشور ، اخبار مختلفی از کردستان درج شده است . از جمله بطور مختصر به اوضاع شهرهای سنندج سقز ، بوکان ، نقده و مریوان و . . . و اعتراضات ساکنین این مناطق بر علیه جنگ اشاره میشود .

مقابله با مسئله سرباز گیری و " بسیج گیری " و تسلیح اجباری نوع دیگری از شکل مبارزه با تعرضات رژیم رانشان میدهد . در این مورد در اطلاعیه شماره ۹۴ کومله در مطلبی تحت عنوان " علیه تسلیح اجباری " در مریوان چنین آمده است :

" نیروهای سرکوبگر رژیم که از اوائل سال جدید در تلاش افتادند تا با زور و ارعاب اهالی بخشهای شامیان و کوماسی را روانه سربازگیری کرده و با در طرح بسیج بومی مسلح کنند ، تنها در روستای پیرحیران با تکیه بر توطنه - گران ، عد های از عناصر خود فروخته و مزدور محلی ، موفق به مسلح کردن تعدادی از اهالی شده هاند . در بقیه روستاهای کوماسی بویژه در ۲ روستا مقاومت اعتراضی مردم جریان دارد . . . در روستای " میانه " (در مسیر جاده مریوان - سنندج) . . . نیروهای دولتی تاکنون بارها سعی کرده هاند تا با زور و ارعاب ، مردم را به سربازی برد هویاب زور مسلحشان نمایند که تاکنون موفق نشد هاند . در اوایل اسفند ماه گذشته مزدوران رژیم به بهانه تجمع عد های از جوانان یکی از آنان را دستگیر میکنند . بد نیال آن بیش از یکصد نفر از اهالی جهت اعتراض به دستگیری آن یک نفر به سمت پایگاه میروند و سرانجام وی را آزاد میکنند ."

در اطلاعیه شماره ۹۵ نیز از اجرای این سیاست ضد مردمی رژیم در شمال

بقیه ایران، در ماهی که . . .

در وره سلسله سلحوق بجای مانده است .
در عصر صفوی ساختمانهای جدیدی به آن
اضافه گردید و در قسمت‌های قدیمی آن
بازسازی شد . بنا به گفته شهریار عدل نعلینه
رژیم خمینی که مسئولیت تهیه فهرستی از
بناهای تاریخی ایران را در ریونسکو بر عهده
دارد " این بزرگترین خسارت فرهنگی است
که پس از ویرانی معبد آنگور در کامبوج ، به
میراث‌های فرهنگی وارد آمد هاست . "

رژیم ضد مردمی اسلامی در دوران حیات
خود بزرگترین صدمات را به تاریخ و فرهنگ
ما وارد نمود و در این مدت تعدادی از
بناهای تاریخی و آثار فرهنگی ایران را به
بهانه " طاقوتی " بودن از زمین برد هاست .
از جمله : خانه نشاط اصفهان ، حمام خسرو
آقای اصفهانی ، مدرسه میرزا جعفر مشهد
و . . . رامیتوان نام برد . البته آثار رژیم
در صد نابودی دیگر آثار باستانی برآمد
اما در اثر اعتراض و مقاومت مردم مجبور به
عقب نشینی شد . رهبران رژیم و حامیان او
بخوبی میدانند که برای نابودی هویت
ملتی ابتدا باید ارکان ملی آنان مانند
تاریخ ، فرهنگ ، زبان و . . . را مورد تهاجم
قرار میدهند . زیرا این ارکان باعث بقای
مردمیک سرزمین و به منزله شناسنامه آنان
میباشد . اظهار " تاسف " رژیم زویرانی
مسجد جامع و دلسوزی او در مورد میراث‌های
فرهنگی " در واقع اشک تسامح ریختن است
و صرفاً دست آمیزی است که از آن در جهت
تبلیغاتی بهره برداری مینماید .

جنگ و اعتراضات مردم

تشدید جنگ و بمباران مناطق غیرسرس
نظامی که در ه مارس (۱۴ اسفند ۶۳) آغاز
شد و بنا بر اعتراف مقامات رژیم " این روزها
تلخترین " روزهای " بود که آنان در دوران
جنگ داشته‌اند . ، موج گسترده اعتراضات

مرد نسبت به عاملین اصلی جنگ را بدنیال
داشت . مردم اندرورد مند ایران که از
این جنگ جزید بختی ، فلاکت و مصائب جا
ومالی بهره‌ای نبرد هاند ، در چند هفته
اخیر در اکثر نقاط ایران به تظاهرات و
راهپیمائیهای متعدد دست زد هاند .
اوج گسترش مخالفت مردم در روز ۲۱ فروردین
(۱۰ آوریل) در جنوب تهران روی داد .

بنا بر گزارش‌های مختلف تظاهرات مردم که
هزاران نفر در آن شرکت نمود هبوند ،
توسط مزدوران رژیم سرکوب شد . در طی
درگیری‌ای که بین مردم با سپاه پاسداران
و افراد کمیته‌های اسلامی صورت گرفت
عدای کشته و مجروح و بنا به گفته مقامات رژیم
۳۰۰ نفر دستگیر شدند . علاوه بر تهران مردم
سایر شهرستانها مانند تبریز ، کرمانشاه ،
درز قول ، خرم‌آباد ، همدان و . . . به
مخالفت بر علیه جنگ برخاسته ، شعارها
بر علیه جنگ و رژیم خمینی سر میدهند . این
وقایع خشم و نفرت مردم را نسبت به رژیم
افزایش داد هاست و بنا بر اخبار رسیده
اعتراضات مردم در نقاط مختلف تهران و
اغلب شهرستانها هنوز هم ادامه دارد . از
طرف دیگر رهبران رژیم برای مقابله با مردم
و ایجاد رعب و وحشت در بین آنان به عوامل
" حزب الهی " خود را روانه خیابانها
نمود هاست . در تاریخ ۲ اردیبهشت به
دعوت انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های
تهران راهپیمائی به پشتیبانی از جنگ و
مخالفت با " تداهای صلح طلبانه " صورت
گرفت . در قسمتی از بیانیه‌ای که در رایسن
راهپیمائی خوانده شد ، ضمن " مقدس تر "
و " الهی تر " نامیدن شعار جنگ تهدید
میکند که : " . . . هر چه سریع‌تر صلح تحمیلی

را در هر کجا و در هر گوشه‌ای بدست هسر
کن و هر گروه و سازمان که با هتزازد رأید با
رگبار گلوله‌های خویش سرتنگون خواهنگرت
و اعلام میدارند " باید این تفکر غلط را دور
انداخت که نفع آمریکا را در ماه جنگ است

ادامه جنگ تا پیروزی به ضرر آمریکا و نفع
انقلاب اسلامی است . (تاکید از ماست)
خانه‌های رئیس جمهور رژیم که همواره
ادامه جنگ تاکید نمود هاست در نماز جمعه
۲۳ فروردین (۲ آوریل) به گروهی از زگان
و نیروهای دیگری که بنا به گفته وی از " طرف
رژیم جمهوری اسلامی تحمل میشوند " حملاتی
غیر مستقیم نمود و گفت : " اینها از ما می‌خواهند
که در مقابل از دست دادن همه چیز صلح
کنیم . اگر ما بحرف این افراد نا آگاه و بد
نیت گوش میکردیم تا بحال نمیتوانستیم حتی
یک وجب از خاک خود را از عراق پس بگیریم
همانگونه که از موضع گیریها و شواهد امر
بر میآید ، رژیم اسلامی علی رغم هیا هسو و
مظلوم نمائی خود در مجامع بین المللی
قصد دارد به سیاست جنگ طلبی خود
ادامه دهد زیرا جنگ تا کنون حربه‌ای بوده
است که توسط آن بر مشکلات و مصائب
فراوان داخلی خود سرپوش گذاشته و برای
اهداف خاصی منطقه را به آشوب کشانده
است . در ادامه سیاست جنگ طلبی ،
مجلس رژیم در روز ۶۴/۱/۸۱ بودجه جدیدی به
مبلغ ۱۰۸ میلیارد ریال به جنگ اختصاص داد .
البته ری سفر آقای " بزرگ و کوشیار "
در پیرک سازمان ملل به تهران و بعد از در
تاریخ ۸ تا ۲۰ فروردین ، بمبارانهای
هوایی قطع شده است ولی درگیریهای
حبه‌های جنگ که امکان ادامه دارد . عراق
اعلام نمود که رژیم ایران خود را برای جنگ
جدیدی آماده میکند و در تاریخ ۵ آوریل
تهدید نمود که بمبارانهای شهرهای
ایران را در باره از سر خواهد گرفت و زمان
احرای آنرا به بعد از تشکیل کنفرانس که
قرار است روز ۹ آوریل با شرکت . . . ۳۰ نفر
از رهبران کشورهای مذ هبی جهان در بغداد
تشکیل شود ، موکول نمود . این رهبران قصد
دارند از ایران بخواهند که برای پایان جنگ
با عراق به مذاکره میرد از . که پذیرفتن این
امرا از جانب ایران بعید بنظر میرسد . □

حق پناهندگی در خطر است!

لوزان - دولت‌های اروپائی نسبت به پناهندگان سیاسی روز بروز با احتیاط بیشتری عمل میکنند. در گذشته پناهندگانی که به علت وجود رژیمهای دیکتاتوری از کشورهایشان فرار میکردند، از طرف برخی از کشورهای مورد استقبال قرار میگرفتند. اما اکنون پناهندگان جدید از طرف همان کشورهای از نظریه‌ی برش، با مشکلات بیشماری روبرو میباشند.

سوالی که در این رابطه پیش میآید این است که: آیا هنوز فرصتی برای مقابله با مشکلات وجود دارد؟ سازمان حقوق بشر سوئیس^۱ به این امر معتقد است که هنوز فرصت وجود دارد و برای رسیدگی به مسئله از تاریخ ۵ تا ۱۷ فوریه سالگرد همایش^۲ "هیئت قضات اروپا" را در مورد حق پناهندگی تشکیل داد. که در آن ۳۰۰ شخصیت سرشناس و نمایندگان سازمانهای طرفدار پناهندگان سیاسی شرکت داشتند. آنان تصمیم گرفتند تلاشهای خود را متمرکز کنند تا بدینوسیله از خطر افتادن حق پناهندگی جلوگیری نمایند.

موقعیت پناهندگان بدلیل افزایش تعداد آنان بیش از پیش بحرانی تر میگردد. در حال حاضر بیش از ۱ میلیون پناهنده در سراسر جهان وجود دارند که به دلیل قحطی، جنگهای داخلی، بحرانهای اقتصادی و جنگ بین دول، از کشورهای خود فرار کرده‌اند. به علت اینکه تشخیص پناهندگان سیاسی از پناهندگان اقتصادی کار ساده‌ای نیست، کشورهای اروپائی روابط و برخورد خود را نسبت به پناهندگان جدیدی سخت‌تر کرده‌اند و بهمانند گذشته محدود نگه داشتن تعداد پناهندگان اقتصادی شرایط را برای پناهندگان سیاسی مشکلتر

نموده‌اند.

کشور آلمان غربی با اتخاذ سیاست سخت‌تری در مقایسه با کشورهای دیگر باعث شده است که پناهندگان سیاسی از اقامت در آن کشور منصرف شوند. در حال حاضر دوطالبان پناهندگی در این کشور در اردوگاههای بی‌رحمیت و شلوغ بدون هیچگونه وسیله رفاهی بسر میبرند. آنان برای مدت دروسال از اشتغال به هر نوع کاری منوع هستند و در این مدت از خنده و امیداشت اجتماعی نیز محرومند. نتیجه این رفتار اینست که عدد هجرتی از آنان راهی کشورهای دیگر میگردد و این مسئله دقیقاً آن چیزی است که دولت آلمان خواستار آن میباشد.

در سوئیس روشهای جدیدی برای انتخاب دوطالبان ابد اعتمد شده‌اند تا از این طریق کسانی را که خواستار پناهندگی سیاسی هستند، منصرف نمایند. گفته میشود از زمان احرای روشهای جدید، تعداد درخواست کنندگان پناهندگی در حوزه ژنوه نصف تقلیل پیدا کرده است.

کشورهای دانمارک و سوئد که تا بحال نسبت به پناهندگان سیاسی روشهای لیبرالی را داشته‌اند، اکنون به سهم خود تغییر روش داد و به اقدامات منصرف کننده‌های دست زد. اولین کسانی که از تغییر این سیاست ضروی بینند، ایران و عراقی‌ها هستند که از جنگ خلیج فارس فرار میکنند. پناهندگانی که تا این اواخر از طرف د و کشور مذکور مورد استقبال قرار گرفته‌بودند.

سهم کوچکی از بار مسئولیت

بطور کلی فرانسه یکی از کشورهای است

که نسبت به پذیرش پناهندگان تمایل بیشتری را نشان داد. اما در حال حاضر به علت افزایش تعداد پناهندگان این کشور قصد دارد اقدامات جدیدی را در مورد آنان به مرحله اجرا گذارد. (لوموند ۱۱ فوریه ۱۹۸۴) زمانیکه برخی از کشورهای برای مانع از ورود پناهندگان در مرزهایشان کنترل بیشتری را بوجود میآورند، کشورهای دیگر نیز از بیم هجوم آنان، خواه ناخواه مجبور میشوند به اقدامات مشابهی دست بزنند. اتخاذ این سختگیرانه‌تر از پیش نگرانی سازمانهای کمبرای حفظ حق پناهندگی تلاش میکنند رافراهم آورده است، زیرا که اروپا فقط سهم کوچکی از مسئولیت پناهندگان را بر عهده دارد. به

دلیل در وی اروپا از "مناطق بحرانی و آشفته جهان" و "نقاط فقیرنشین" و تنه‌ها/تعداد پناهندگان ثبت شده جهان در این منطقه بسر میبرند. حق این تعداد در ریسن کشورهای اروپائی "بطور مساوی تقسیم نشد" است. برای مثال نسبت تعداد پناهندگان به جمعیت در سوئیس $\frac{1}{100}$ ، اتریش $\frac{1}{44}$ ، فرانسه $\frac{1}{44}$ ، بریتانیا $\frac{1}{49}$ ، سوئد $\frac{1}{41}$ ، ایتالیا $\frac{1}{44}$ ، بلژیک $\frac{1}{44}$ ، و آلمان غربی $\frac{1}{476}$ میباشد. (ارقام به تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۳ مربوط میباشد) این ارقام در مقایسه با سه کشور سومالی، سودان و پاکستان که دارای بیشترین تعداد پناهندگان میباشند، در سطح نازل قرار دارد. نسبت تعداد پناهندگان به جمعیت کشور سومالی $\frac{1}{4}$ ، در سودان $\frac{1}{4}$ و در پاکستان $\frac{1}{4}$ است.

صحبتهاییکه در مدت گرد همآئینی "هیئت قضات" در لوزان صورت گرفت، نشان داد که علل سختگیری کشورهای مختلف بقیه در صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۲۲

برنامه جشن نوروز در پاریس

تئاتر در ایران امروزی است و کوششش نمایشنامه نویسی، کارگردان و بازیگران آن در خور قدراتی است. در عین حال طرح چند سؤال نیز ضروری بنظر میرسد. در اینجاری سخن با آقای ساعدی است که این نمایشنامه اثر ایشان میباشد. سؤالی که بخصوص پس از دیدن این نمایشنامه در ذهن بسیاری از بینندگان و حاضرین مطرح شده و بعد های نیز آشکارا از آن سخن میگفتند اینست که: شما که خود از دل خالت دین و مذهب در سیاست و هنر و نقش ارتجاعی و ضد دموکراتیک آن بخوبی واقفید و تاثیر این رابطه ضد علی و ضد مردمی را در جمهوری اسلامی میدانید و آنرا نیز با مهارت به نمایش میگذارید همکاری خود با "شورای ملی مقاومت" که در

واقع در شالود هریزی و ایجاد حکومتی د یگری تحت عنوان "جمهوری د مکراتیک اسلامی" تلاش میکند، را چگونه توجیه میکنید؟ آیا بنظر شما براساسی فرقی است بین اسلام خمینی و "اسلام راستین" آقای رجوی؟! آیا آقای ساعدی نیز مانند عد های به "اسلام معاویه" و "اسلام علی" و "اسلام مبارز" و "اسلام ارتجاعی" معتقدند؟! آیا هنوز زمس آن نرسید هاست که پس از مصایب و دشواریها فراوانی که ملت ما پس از زوری کار آمدن رژیم خمینی با آن روبرو شد هاست و "روشنفکران" و "هنرمندان" مانیز در پیرامی آن سهیم و مقصر بود هاند، نویسندگان و هنرمندان متعهد به رسالت و مسئولیت خود بی برد ه و دین خود را در قبال مردم ایران ادا نمود ه و نقش واقعی خود را در صحنه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران ایفا نمایند؟! به امید آنروز. م- بهزادی

بقیه از صفحه ۱۹

حق پناهندگی در خطر است!

نسبت به پناهندگان یکی است. در تمام کشورهای، اگر پناهندگان توسط مردم تروریست نامید نشوند، مسئولیت بیگاری موجود و قبضه کردن مشاغل بر عهده انسان گذاشته میشود. در بعضی از کشورهای ترس از خارجی، کار سازمانهاست که پناهندگان پشتیبانی میکنند را مشکلتر میسازد. مخصوصا وقتیکه اتهامات وارد به آنان همیشه پایه و اساس نیستند. سؤالی که مطرح میشود اینست که آیا روابط نسبت به پناهندگان میتواند به حالت متعادل سابق خود باز گردد؟! بعضی از سازمانهاست که از حقوق پناهندگان جانبداری مینمایند، امکان این مسئله را می بینند و اعتقاد دارند که برای کسب حقوق پناهندگان سیاسی و اقتصادی میتوانند تلاش کنند. در مقابل سازمانهای دیگری وجود دارند که میخواهند اصالت مقام پناهندگی را حفظ نمایند. بر طبق کنوانسیون ژنو مصوبه در سال ۱۹۵۱ در باره مزایای پناهندگی "تنها کسانی میتوانند از مزایای پناهندگی استفاده کنند که در کشورهای خود به علت نژاد، دین، ملیت عضویت در یک گروه خاص اجتماعی و یا بخاطر داشتن عقیده سیاسی مورد آزار و تعقیب قرار گرفته اند. به عقیده برخی از شرکت کنندگان در گرد همائی فوق به حساب آوردن کسانی که به علت فقر و قحطی از کشور خود فرار میکنند بعنوان پناهندگان سیاسی، خطر ضعیف شدن حق پناهندگی را بوجود می آورد. در حالیکه شرکت کنندگان همزمان تائید میکنند که تعقیب و آزار سیاسی اغلب اوقات ریشه در عقب ماندگی و فقر اقتصادی دارد که اکثر آنها زمانند همان راه حلها است. □ (بمنقل از REFUGIES آوریل ۱۹۸۵)

بقیه بحث و گفتگوئی در "سینه"

چگونه بود؟ این حرف غیر از یک کلی گویی چیزی بیش نیست. ثانیاً در صفوف رهبری مجاهدین آیا اینقدر ریگانگی وجود داشت که نمیتوانستند بدون این از واج قدومه حل انقلاب باشند؟ در اطلاعیه ذکر شده است که از فاصله ۱۹ بهمن تا ۱۹ اسفند ۶۳ به ضرورت این از واج پس برد شد هاست. چگونه میتوان در مدت یک ماه در ایران و سایر کشورهای جهان روی مسئله ای با این اهمیت که "بزرگترین مسئله انقلاب" و "حما سه سیاسی" نام گرفته، بحث و تصمیم گیری نمود؟ و حتی مریم عضد انلو منتظر جواب تصمیم گیری هم نشد ه و قیصل از جواب تصمیم گیری از ابریشمچی طلاق گرفته بود که خود این عمل نشان دهنده این است که این تصمیم گیری هیچ اهمیتی نداشته است. در ثانی اگر این امر به نفع مصالح انقلاب و سازمان مجاهدین خلق بود ه است، چرا رجوی از روی مواضع به اصطلاح

انسانی و در مسوزانها این امر مخالفت کرده و مریم عضد انلو و مهدی ابریشمچی را از گرفتن طلاق از یکدیگر باز میدارد؟ ... قبل از هر حرکتی باید دید که تاثیر این حرکت بر روی توده های مردم چیست؟ چون این مردم هستند که باید انقلاب کنند نه سازمان، مردم باید اقل یک قدم، یک نقطه از آینده یک عطفی را ببینند تا بتوانند برای حرکت کنند. اگر این عمل به شکست بیانجامد تکلیف این انقلاب چه میشود اگر مجاهدین هم یک شکست دیگری بر حنبش وارد آورند و اقا مردم دیگری چه کسانی میتوانند اعتماد کنند؟ ... وی سپس افزود عنصر فالو نژر بین همه ما وجود دارد ما باید این عناصر فالو نژرا در بین خود سرکوب کنیم چون اگر امروز ما نتوانیم آزاد انهمین خود مان حرف بزنیم، فردا میهن ما هرگز روی د مکرلسی را نخواهد دید. این بحث و گفتگوئی از صحبت چند نفر دیگر از حاضرین در حد و سلسله بعد از ظهر پیلین یافت. تنظیم از بهمن خسروی

بقیه از صفحه ۱۰

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

انگیزونا راحت کنند هر هیران حزب تود مبرزگترین رس عبرت برآ
روشنفکرانی است که میخواهند در راه آزادی ایران - باتمام
اشکالات و اشتباهات و خطاها - مبارزه کنند و وفاداری خود را به
ملت شریف ایران ثابت نمایند .
(ادامه دارد)

جمشید آریانیور

یادداشتها

- ۱- مجموعه ای از مکتوبات ، سخنرانیها ، بیامها و فتاوی خمینی ص ۲۵
- ۲- مرد م ارگان مرکزی حزب تود شماره ۶۲ ، اول تیر ماه ۱۳۴۲
- ۳- مرد م ارگان مرکزی حزب تود شماره ۸۷ ، ۱۰ خرداد ۱۳۴۳
- ۴- نامه مرد شماره ۱ ، دوره پنجم ۱۰ دیماه ۱۳۲۵
- ۵- "مجموعه مصاحبه های امام خمینی" در خارج از کشور جلد اول
ص ۶۲ (آقای خمینی هنگام اقامت در پاریس در پاسخ سوال :

" شما خواستار جمهوری اسلامی هستید ، چنین د ولتی آیی
آزاد بیهای د مکرانیک را برای همه مرد متضمن خواهد کرد ؟ "
میگوید : " د ولت اسلامی یک د ولت د مکرانیک به معنای واقعس
است . . . و هر کس میتواند اظهار عقید خودش را بکند و اسلام
جواب همه عقاید را بعهده د ارد و د ولت اسلامی تمام منطبقها را
با منطق جواب خواهد داد . "

۶- از مجموعه مصاحبه های امام خمینی در خارج از کشور جلد اول
ص ۸۴

۷- سومین سال انقلاب شکوهمند میهن ما " از انتشارات حزب
تود ه ایران ص ۸۸

۸- " پیام تبریک کمیته مرکزی حزب تود ه ایران به امام خمینی به
مناسبت آغاز یازدهم هجری " ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۸

۹- کیهان ۶۲/۶/۶

۱۰- اطلاعات ۶۲/۲/۱۱

بقیه از صفحه ۳

" پرستش کنند هترین بند ه خدا . . . "

و اتخذ سیاست غلط ادغام دین و
سیاست و . . . در سر اشایی سقوط قرار
گرفته و روز بروز منزوی تر میگردد . چنانچه در
بی ازد واج اخیرا اختلافات د رونی سازمان
و همچنان شورای ملی مقاومت به واج رسیده
ود ری آن گروههای از اعضا ه و هواداران
مجاهدین به انشعاب دست زد ه و افراد
و نیروهای از شورای ملی مقاومت جدا
گردید ه اند . □

س - بزرگمهر



دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نماید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX . FRANCE

بقیه از صفحه ۱۰

معرفی کتاب

مغایرت داشت که شمال را برای شوروی و
جنوب را برای آمریکا و انگلیس میخواست .
آقای رناسی سپس اضافه میکنند . . . این
را هتاریخی را بد و ن وقفه مصدق ادامه میداد
و همپروزی آن باورد داشت و ادامه میدهند
کسانی که خط روشن این عزیز را بد رستی
شناخته باشند پیگیری کنند .

(ص ۴۱ و ۴۲ تاکید از ماست)

کتاب ملی شدن صنعت نفت در رسلسر
ایران با کلامی گرم و احساسات پر شور ملی
و آزاد یخواهان نوشته شده ه است . نویسنده
باشه مات و جسارتی د ر خورتحسین به
تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری از شرایط دوران
مصدق میبرد ازد . مطالعه کتاب میتواند
در شرایطی که نسل جوان ایران متاسفانه
ضربات هولناکی را در رهبری غلط در
۶ سال گذشته متحمل شده ه ، آموزنده و سود
باشد . همچنین نگارش کتاب از آن لحاظ
حائز اهمیت است که متاسفانه بسیاری از

روشنفکران ما در شرایط کنونی در رون
اپوزیسیون در جستجوی نام و جا ه هستند
و ایران را فراموش کرد ه اند . آنان همواره
سعی میکنند با زیرکی " به مقتضای روز
تغییر موضع دهند و هر روز رنگی د ر آیند و
بسازی برقصند و با همه هستند و با هیچکس
نیستند و یک موضع روشن و صریح را در هیچ
زمینه های ند آرند ، مع العوصف همه جا
مطرحند و گل سرسبد " میباشند . و با برخی
مانند " روشنفکران " و " تئوریسینهای
کف در آسیونی هنوز به نوشتن و ترجمه
" مقالات فلسفی " بی ربط از هزار و یک
فلسوف " و مورخ " دانشمند " و " حامه
شناس " خارجی که کوچکترین درکی از سلیق
و معضلات پیچید ه ایران راند آرند مشغول
هستند . بهمین دلیل ارزش کتاب هر چه
بیشتر آشکار میگردد . ما مطالعه کتاب را به
همه دستان و ایرانیانی که قلبشان در تب
و تاب آزادی و استقلال ایران میپسند
توصیه میکنیم . □

در حاشیه:

برنامه جشن نوروز در پاریس

از طرف کانسون نویسنندگان ایران در تبعید با همکاری انجمن تائیر ایران در تاریخ ۱۶ و شنبه اول آوریل مصادف با ۱۱ فروردین ۶۴ برنامه‌های متناسب آغاز سال جدید و گرامیداشت جشن نوروز در پاریس برگزار گردید که با استقبال بسیاری از هموطناناً مواجهد. این مراسم حدود ساعت ۸ شب در حالیکه جمعیت زیادی بعلمت فسروش بلیط بیش از اندازه گنجایش سالن مورد نظر، معترض در پشت درهای بسته از حاکم گردیدند با سرود "ای ایران" آغاز گشت. پس از اعلام برنامه متوسط خانم عاطفه گرگین، آقای نعمت میرزازاد ضمن تبریک سال نو نوروزی باستانی، به حضار خوش آمد گفتند. سپس برنامه موسیقی ایرانی با هنرنمایی آقای اسکندر شروع شد. ایشان همراه با ویلن اشعار و ترانه‌هایی را خواندند و در غالب طنز نیز نکاتی را عنوان

کردند. سپس تکنوازی سنتور توسط آقای مسعود امیدی اجرا شد. پس از انتراکت برنامه تحت عنوان اتللود رسرزمین عجایب اثر آقای غلامحسین ساعدی و سه کارگردانی آقای ناصر رحمانی نژاد اجرا شد. این برنامه در حدود ساعت ۱۱ / شب پایان رسید.

در ضمن لا زباید آوری است که برنامه جشن نوروزی (که با کوشش و همت کانسون نویسنندگان در تبعید ترتیب یافته بود) از معدود برنامه‌هایی بود که در آن اکثر ایرانیان مقیم پاریس با طرز فکر و سلیقه‌های مختلف از گروهها، سازمانهای گوناگون و بشکل آزاد شرکت داشتند و این تجمع و تنوع در کنار یکدیگر نکته قابل ملاحظه و زیبا این برنامه بود و آنرا میتوان نشانه علاقه و استقبال ایرانیان خارج از کشور در بزرگداشت و حفظ سنن ملی و فرهنگیمان محسوب نمود.

و اما در حاشیه‌ها خجالت‌آموزی و زجر چند نکته ضروری است: نمایش اتللود رسرزمین عجایب در غالب طنز بطرز جالبی گوشه‌ای از وضعیت تئاتر در رژیم جمهوری اسلامی نشان میداد و موانع و مشکلاتی را که هنرمندان در شرایط کنونی در ایران تحت نظر اداره ارشاد اسلامی و "اداره مبارزات منکرات" با آن دست بگریباندند، را تجسم مینمود. در حالت ماموران سانسور در ریل یک آخوند و یک کارشناس امور هنری در حالیکه فاقد هرگونه صلاحیت و شناختی در زمینه هنر تئاتر میباشند را منعکس میکرد که میکوشیدند با در نظر گرفتن معیارها و ضوابط اسلامی و احکام مربوطه هنر و هنرمندان را بحدود اهداف ضد ملی و ارتجاعی خود بکار گیرند. البته این کوشش عیب بی نتیجه میماند و راه به جایی نمیرسد. نمایشنامه فوق‌نمایانگر گوشه‌ای از واقعیات موجود در زمینه هنر بقیه در صفحه ۲۰

تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق

بد نیال فراخوانی برای تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق در تاریخ جمعه ۵ آوریل ۸۵ مصادف با ۱۶ فروردین ۶۴ تظاهراتی در پاریس انجام گرفت. این برنامه متوسط کمیته برگزاری راهپیمایی علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق که از فعالین چند گروه حاضر در رستیتو نیورسیته پاریس تشکیل شده بود، ترتیب یافت. سازمان مجاهدین و جریکهای فدایی (اقلیت) در این کمیته حضور داشتند. به جز اعضا و هواداران گروه‌های مختلف تعدادی از ایرانیان علاقمند نیز بطور منفرد و آزاد در این راهپیمایی

شرکت نمودند. در قسمتی از اعلامیه فراخوان کمیته برگزاری راهپیمایی آمده بود: " . . . این جنگ خانمانسوز صد ها هزار کشته و زخمی ببار آورده. ابعاد این جنگ روز به روز وسیعتر میگردد هم اکنون به مبارزان شهرها و مناطق غیر نظامی در سراسر نقاط ایران و عراق کشید هشد هاست. با شرکت در این تظاهرات فریاد اعتراض خود را علیه این جنگ ارتجاعی و کشتار بیسابقه مردم بیگناه، بگوش جهانیان برسانید." راهپیمایی مذکور ساعت ۴ / بعد از ظهر از میدان رپوبلیک آغاز شد و در حدود

ساعت ۶ بعد از ظهر در میدان باستیل با قرائت قطعنامه‌های بزرگنمای فرانسه و فارسی پایان رسید. برخی از شعارهایی که تظاهرکنندگان در مسیر راهپیمایی میدادند از این قبیل بود: " نابود باد جنگ ارتجاعی ایران و عراق"، " مبارزان و کشتار مردمان ایران و عراق محکوم است"، " سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران". . . در مسیر راهپیمایی اعلامیه‌های مختلفی بزرگنمای فرانسه و فارسی مناسب پخش گردید. در این راهپیمایی در حدود ۲۰۰ تن شرکت نمودند. □